

حاصله نیز مطلوب واقع گردید ولی در ایالات شمالی ایران برنج کاری جانشین محصول ابریشم شد.

در این جا لرد کرزن بهاشیه رفته گوید: «در مملکتی که افکار تازه و ترتیبات جدید این اندازه کند پیش می رود طوریکه در ایران پیش می رود محل تردید است از اینکه بتوان امیدوار شد که بدست ایرانی تربیت پيله ابریشم و بدست آوردن آن عملی شود و مجدداً این تجارت رونق گیرد شاید با توجهات مخصوصی مجدداً این محصول ذی قیمت بدست آید و اسباب امیدواری شود ولی هیچ دلیلی ندارد این موضوع تجدید نشود و این صنعت و تجارت رونق نگیرد چونکه ناخوشی این حیوان بکلی بر طرف شده و زمین و آب و هوا همان است که بود و معلوم نیست بیجه جهت و بیجه علت تربیت پيله را از نو شروع نمی کنند.

در این تاریخ (۱۳۵۹ - ۱۸۵۳) تربیت پيله ابریشم علاوه بر گیلان و مازندران در آذربایجان و خراسان و در نواحی مرکزی ایران که معروفترین آنها گلستان - اصفهان - یزد و کرمان است شروع شده و به تربیت پيله ابریشم اقدام نموده اند در کرمان - یزد - و گلستان محصول آنها مصرف محلی دارد چیزی از آن بخارج نمی رود ولی از گیلان و آذربایجان فعلاً بروسیه صادر میشود و از آنجا مقداری نیز به ماری حمل می شود مخمل گلستان ممتاز و بسیار مطلوب است مخمل یازردوزی های قدیم ایران بسیار ممتاز می باشد ولی فعلاً به ندرت از آن ها بدست می آید در گلستان و سلطان آباد فرشهای ابریشمی بسیار عالی می یافتند.

پس از آنکه مقداری از وضع و تربیت و پرورش پيله ابریشم صحبت می کند داخل موضوع منابع طبیعی ایالت مازندران و گیلان میشود در این باب می نویسد: «علاوه بر حاصلخیزی اراضی این دو ایالت طبیعت نیز از حیث وفور منابع طبیعی گیلان و مازندران هیچ کوتاهی نکرده ولی از این همه منابع طبیعی تا حال چیزی استفاده از آن نشده مگر بقدر کم و قلیلی که هیچ قابل ذکر نیست.

معادن بسیاری در این دو ایالت موجود است که در فصلهای بعد من از آنها صحبت خواهم نمود.

درخت های جنگلی این دو ایالت برای کشتی سازی بسیار مناسب می باشد در زمان نادرشاه افشار الوار آن توسط جان التون (۱) کشتی ساز معروف که برای نادرشاه کشتی جنگی میساخت بکار برده میشد مخصوصاً نادرشاه التون را مأمور نموده بود که در دریای خزر برای آن شهریار یک دسته جهاز جنگی آماده کند و الوار مازندران و گیلان در عهد این شهریار از شمال به جنوب حمل شده در خلیج فارس نیز یک چنین دسته کشتی جنگی برای جنوب تهیه شود و نخته های زیادی از چوب ایالات شمالی ایران برای روسیه و انگلستان فرستاده می شود ولی فعلاً هیچ اساس عملی برای جنگل داری و تربیت آن اتخاذ نشده است و از درختهایی که ممکن است سالیانه مبالغی عاید دولت گردد غفلت میشود و از بین می رود.

در این اواخر یعنی در سال ۱۳۵۴-۱۸۸۶ امتیاز چوب بری گیلان را برای دو سال پروسها در مقابل پنجاه هزار تومان واگذار نموده اند و میزان آن در سال ۱۳۵۷-۱۸۹۵ به هفتده هزار تومان رسید.

منابع محصول دریائی این نواحی نیز کمتر از فایده محصول زمینی آنها نیست دهانه های رودخانه ها مخصوصاً سفیدرود و مردابهای آن مملو از ماهیهای مختلف و مفید است در دهانه رود فوق الذکر بسا شده که روزانه چهار هزار ماهی گرفته اند در مرداب اقلی روزانه بیش از سیصد هزار ماهی گرفته می شود.

در موقعیکه من در ایران بودم شیلات سواحل جنوبی بحر خزر پروسها در مقابل شصت و پنج هزار تومان سالیانه اجاره داده شده و بواسطه این عمل سالیانه روسها مبالغ عمده فایده بر میدارند. « ص ۳۷۱ » جلد اول.

در آن تاریخ راجع به مالیات این دو ایالت می نویسد: « مالیات سالیانه آن همیشه در تغییر است البته این نیز مربوط باوضاع داخلی آن ایالت است که گاهی تنزل و گاهی در ترقی است در زمان فریزر در سال ۱۲۳۷-۱۸۲۲ مالیات از گمرک و مالیات ارض از دوست هزار تومان الی دوست و ده هزار تومان بوده ده سال بعد به سیصد

هزار تومان بالغ شد ده سال دیگر در زمان هلمز (۱) به عدد اولی برگشت نمود در زمان سرفردریک گلداسمید که سال ۱۲۹۱-۱۸۷۴ باشد به چهارصد و چهل هزار تومان بالغ گردیده بود در دایرة المعارف بریتانی از یک منبع دیگر که نسبتاً کهنه شده است میزان مالیات مازندران در یکصد و پنج هزار تومان صورت می‌دهد و می‌گوید چیزی از این مبلغ عاید خزانه نمی‌شود تمام صرف قشون آن ایالت می‌شود.

در سال ۱۳۰۷-۱۳۰۶ = ۱۸۸۸-۱۸۸۹ مالیات ایالت مازندران ۱۳۹/۳۵۰ تومان نقد بوده و مالیات گیلان ۲۴۵/۰۰۰ تومان مخارج مازندران ۴۵۹۰ تومان و مخارج گیلان ۲۴/۴۳۰ تومان و از این مبالغ چه مبلغی عاید خزانه دولت می‌شده نمی‌توان میزان آنرا بدست آورد و تعیین آن محال است.

در اینجا لرد معظم داخل در تاریخ ایالات شمالی ایران شده شرحی از آن‌ها می‌نکارد از دوره افسانه بعد از زمان اسکندر بعد دوره ساسانی پس از آن از زمان عرب و دوره ساهانیها پس از آنها در عهد صفویه چه حالی داشته و توجه مخصوص شاه عباس به مازندران و قزوینکه در آن ایالت ساخته و میل زیاد آن شهریار به توقف در مازندران و انتقال سی هزار خانواده مسیحی از سرحدات غربی ایران که با ترکها مجاور بودند به تفصیل از تمام این موضوع‌ها صحبت می‌کند راجع به انتقال سی هزار خانواده مسیحی بایالت مازندران می‌نویسد: شاه عباس در تعقیب سیاست عاقلانه خود این اقدام را نمود.

اول اینکه قسمت سرحدات ایران و ترکیه را خالی از سکنه کند که ترکها نتوانند بآن طرفها دست اندازی کنند.

دوم اینکه با انتقال این عده مسیحی يك قوه تازه بایالت مازندران داد که بهتر بتوانند از زمین‌های حاصل خیز آن استفاده کنند.

در این باب شاردن معروف شرحی در سفرنامه خود می‌نویسد و می‌گوید ایالت مازندران بحال مسیحی‌ها خیلی مفید واقع شد چونکه در آنجا خوک زیاد است و این‌ها

میل زیادی به گوشت خوک دارند علاوه می توانند بدریا دست داشته باشند و بایرادران مسیحی خود که عبارت از اهل مسکو باشند رابطه پیدا کنند.»

بعد لر دگرزن علاوه نموده گوید: « شاه عباس حساب بدی آب و هوای مازندران را در نظر نگرفته بود این سی هزار خانواده در سال ۱۵۳۹-۱۶۳۵ تقریباً تمام شده بود فقط چهارصد خانواده از آنها باقی مانده بودند.

پس از آنکه از مسافرت ایلچی دولت ایتالیا صحبت می کند شرح می دهد چگونه این اشخاص (۱) در مازندران به حضور شاه عباس رسید و تشریفهای او از زنان مازندران بعد داخل در شرح داستان حمله قزاقها به مازندران شده در آن باب شرحی می نویسد می گوید: (۲) « حمله آنها در سال ۱۸۶۸ بوده و پنجاه سال به بعد پطر کبیر جدیدت مخصوصی داشت در این باب داستانهای مختلف گفته و نوشته شده است از آنجمله **جونس هانوی** (۳) بوده که چند سال بعد از این تاریخ خود او در ایران بوده علاوه بر او چند نفر دیگر . . . مخصوصاً **کاپیتان بروس** (۴) که خود در آن هنگام جزو قشون پطر کبیر بوده و در این جنگها حضور داشته است و عده دیگر نیز از نویسندگان مانند **دورن** (۵) و غیره راجع باین موضوع نوشته اند و تئیکه تمام اینها را تحت نظر در آوریم تقریباً این داستان از قرار ذیل خواهد بود :

در سال ۱۷۲۲-۱۱۳۵ پطر کبیر نماینده مخصوصی باصفهان فرستاد از لزکی های داغستان شکایت نمود که بتجار روس صدمات وارد می آورند در این تاریخ لزکیها در شهر **شماخی** دائماً برضد دولت ایران قیام می کردند این مصادف شد با آمدن افغانها بایران و عزل شاه سلطان حسین و برقرار شدن **محمود افغان** که تاج و تخت

[1] Pietro Delta Walle .

(۲) آقای جمال زاده در روزنامه کاوه منتشره در برلن این داستان را مفصلاً

نوشته است .

[3] Jonas Hanway .

[4] Captain Bruce .

[5] Darn .

صفویه را غصب نموده بود او نیز جواب پطر را اینطور داد که پطر خودش علاج آنها را بکند .

تسار روس منتظر يك چنین جواب بود فوراً عده را آماده نموده قریب سی هزار نفر از حاجی طرخان سوار کشتی شده شبانه به در بند آمده آنجا را متصرف شدند از آنجا به باد کوبه و شمشاخی تجاوز نمودند در این بین دولت عثمانی اعتراض کرد و تهدید نمود هر گاه از قفقاز خارج نشود ترکها داخل جنگ خواهند شد پطر نیز ملاحظه نمود جنگ با عثمانی و ایران مشکل خواهد شد ناچار شد برای گذراندن زمستان به حاجی طرخان مراجعت کند . (ص ۳۷۳)

این داستان مفصل است و لرد کرزن مقداری در این موضوع صحبت می کند ولی اوضاع سیاسی آن زمان ایران فوق العاده تاریک است چه از یکطرف قتنه افغان و از طرف شمال هجوم روسها از طرف سرحدات غربی تجاوزات عثمانیها، اما ظهور نادر شاه افشار به تمام این اتفاقات و تجاوزات خاتمه داد پنج و شش سال بیشتر طول نکشید که مجدداً ایران بادست نادر شاه افشار دارای اقتدار و قدرت کامل گردید و تمام دشمنان خارجی را منکوب و از ایران بیرون کرد (۱) .

لرد کرزن از بناهای شاه عباس در مازندران مفصل صحبت میکند بعد از شهرهای مازندران شرحی مینگارد از ساری - بار فروش - مشهد سر و آمل حرف میزند بعد

(۱) پطر کبیر در سال ۱۱۲۷-۱۷۱۵ وزیر مختار مخصوصی بدربار شاه سلطان حسین فرستاد وزیر مختار روس با همراهان خود در سال ۱۱۲۸ - ۱۷۱۶ در اصفهان بودند همراه این وزیر مختار يك نفر شخص انگلیسی بوده موسوم به جان بل John Bell در این هیئت سمت دکتری داشته شرح این مسافرت را در دو جلد کتاب خود نوشته و این دو جلد کتاب در سال ۱۱۲۷ - ۱۷۱۶ در انگلستان در شهر کلاسکو بطبع رسیده است این شخص اوضاع و احوال ایران و دربار شاه سلطان حسین را بتفصیل شرح داده است و ترتیبات پذیرائی سفرا را در آن زمان مشروحاً بیان میکند در سال ۱۷۲۵ وفات کرد و مرگ او موقتاً هجوم روسها را مدتی عقب انداخت و ظهور نادر نیز در ایران بمطامع آنها در آن تاریخ خاتمه داد .

تاریخچه راه آهن حاجی محمد حسن را مینگارند بعد از رشت و گیلان حرف میزند و اصلاحاتی که ممکن است در این جا بشود از آنها سخن میراند بعد بموضوع دست اندازی روسها باین نواحی اشاره نموده گوید: «حال رشته سخن مرا بآنجا کشانیده که لزوماً باید در آخر این مسائل بقصد و نیت روسها نیزراجع باین ایالات اشاره کنم تا اقبال سیاسی آنها درآینده چه حکم کند».

در این هیچ تردید نیست که از زمان بطرکبیر که موقه گیلان برای چندی به تصرف روسها درآمد از آن روز تا حال چشم طمع خودشانرا بسواحل بحر خزر دوخته اند که آن نواحی را يك روز بتصرف خود در آورند و همه کس این مسئله را میداند. در اوقاتی که شهریار ایران خواسته بود مقاومت کند و یا اینکه بطرف انگلیسها متمایل شود روسها مکرر تهدید نموده اند که وقایع گذشته را تجدید خواهند نمود و این هم صحیح است که روسها بسهولت میتوانند در رشت و بندر گز قشون بیاده کنند بدون اینکه ترس داشته باشند که مقاومت خواهد شد همچنین منتشر است که جنرال کروپاتکین که فعلاً فرمانفرمای متصرفات ماوراء بحر خزر است در نقشه محرمانه که برای تصرف هندوستان در سال ۱۳۵۳ - ۱۸۸۵ تهیه نموده بود تصرف گیلان - مازندران - مملو - آذربایجان و خراسان مقدمه این عملیات بوده و پیش بینی شده بود به این معنی که ایران مرکز عملیات جنگی قرار گیرد با این شرح و بیان در این شکی نیست که روسها مدتها خواب چنین عملی را دیده اند سرجاستین شیل^(۱) که خود وزیر مختار انگلیس در ایران بوده و بعد ها اطلاعات کامل و کافی از این موضوعات داشته تمام این ها را تصدیق نموده چنین مینگارند: «مدتها است که روسها به گیلان طمع میورزند چیزهای بسیار روسها را برای تصرف آن تشویق میکند: در مجاورت آنها بودن - ثروت آن ایالت و استعداد آن برای آبادی و ترقی - موقعیت دفاعی آن - نواحی کوهستانی آن از يك طرف و دریا از طرف دیگر - زمین های باطلای و جنگل سر تا سر آن ایالت - تمام این ها کلاً باعث تشویق برای تصرف

[1] Sir Justin Sheil

روسها است . «ص ۳۸۶ جلد اول .

لرد کرزن در این جاداخل در قسمت‌های دیگر شده و مشکلاتی که برای روسها در تصرف گیلان و مازندران ممکن است پیش آید از آنها صحبت میکند و آب و هوای گیلان را مانع عمده قشون مهاجم می‌شمارد و عده اروپائیهائی که در این سید ساله اخیر در گیلان و مازندران تلف شدند از آنها اسم میبرد و میگوید . « در آن زمان هم که گیلان بدست پطر کبیر افتاد تلفات روسها از بدی آب و هوای آنجا فوق‌العاده زیاد بود تقریباً تمام آنها تیکه آمده بودند در آنجا مدفون شدند . » و علاوه نموده گوید : « برای دول اروپا تصرف گیلان و مازندران فوق‌العاده مشکل است که بتوانند آنها را تصرف نموده در اختیار خود نگاهدارند » و میگوید « هرگاه سکنه مخالفت کنند دفع آنها بی اندازه دشوار خواهد بود . »

از قول فریزر معروف که مکرر اسم او در این قسمت برده شد، شاهد آورده گوید : « این شخص که دو بار سرتاسر گیلان و مازندران را طی نموده است در این باب این طور مینویسد : بدون تردید هیچ مملکتی را خاطر ندارم برای عملیات نظامی، اراضی آن این قدرها مشکل و غیر قابل عبور باشد مثلاً اراضی این دو ایالت مازندران و گیلان ، راه ابداً وجود ندارد و جز راه شسه شاه عباس کبیر، آن نیز میتوان گفت که بکلی از بین رفته است برای پیدا نمودن آن محتاج به بلد راه میباشد در صورتی هم پیدا شود برای مقصودهای نظامی مفید نیست چونکه از خرابیهائی که بآن وارد آمده جنگلهائی که میباشد از آنها بسختی عبور کند و خطر آنیکه از کمین نمودن سکنه متصور است عبور از آنها بی اندازه مشکل است علاوه بر همه اینها خود زمینهای این ایالات است که تماماً باطلاقی و عبور از آنها ممکن نیست خود اهالی میگویند این زمینها پهلو انهای گیلان و مازندران هستند که این دو ایالت را حفظ میکنند . »

مون تیت (۱) که خود يك سر باز مجری بوده راجع به حفظ این دو ایالت

(۱) این شخص در سال ۱۸۰۹ جزو صاحب منصبان انگلیس بایران آمد مدتها در

بقیه در حاشیه صفحه بعد

گوید: هر گاه خود ایرانیها متحد باشند هیچ قوه خارجی نمیتواند بآنها در این نواحی فایق آید و خیلی مایل خواهند بود که کشتیها از راه دریا به آنها حمل کند. (ص ۳۸۸)

لرد کرزن در فصل سیزدهم کتاب خود از اوضاع سیاسی ایران صحبت میکند از شاه و سلسله قاجار و وزراء درباری آن دوره مفصلاً بحث مینماید، از عقب ماندن ایران از قافله تمدن وقت و نبودن هیچ نوع قوانین مملکتی برای اداره نمودن آن شرحی مینکارد و میگوید این اوضاع و ترتیبات فعلی روی اساس قدیم شرقی گذاشته شده است که از زمانهای خیلی دور و دراز در ممالک شرقی برقرار بوده است این اساس عبارت از آداب و رسوم قدیمه است که چندین هزار سال است جاری و باقی است و علاوه می کند البته در چنین مملکتی اشخاص بیشتر در مد نظر است تا قوانین، اساسی که روی احتیاجات ملی و مملکتی وضع شده باشند این است که از بزرگترین وزراء شاه تا کوچکترین عضو دولت فقط ملاحظه که دارند از یکدیگر است یعنی هر يك از مافوق خود ملاحظه دارد و پس و این ترتیب تاحدی معین از تعديلات و اجحاف می تواند جلوگیری کند.

ملاحظه اشخاص بزرگ و درجه اول مانند صدراعظم و سایر وزراء فقط از شاه است و ملاحظه شاه هم از تنقیدات خارجی است مخصوصاً از جراید اروپا. در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه علماء نفوذ زیادی دارا بودند ولی همینکه دولت توانست زمام امور را بخوبی دست گیرد بهرورد از نفوذ روحانیون کاسته شد مگر در چند نقطه مانند اصفهان و مشهد که ممکن است جهالت و تعصب آنها باعث شده باشد يك حرکات جاهلانه بکنند ولی این حرکات چندان مؤثر نیست.

بقیه از حاشیه صفحه قبل

ایران بود عباس میرزا نایب الملطنه او را مأمور نمود که معادن قزچه داغ را برای پیدا کردن آهن و مس نفتیش کند نتیجه تحقیقات او بسیار خوب بود این شخص بعدها به درجه جنرال رسید.

در این تاریخ می‌توان گفت شاه بهترین نمونه سلاطین مستبد شرقی است ، ناصرالدین شاه امروزه (۱۳۵۸-۱۸۹۵) دارای نفوذ کامل و اقتدار زیادی است که بر جان و مال سکنه ایران حاکم مطلق شناخته شده است .

پس‌های شاه هیچ يك دارای استقلال نمیباشند در يك چشم بر هم زدن میتواند هر کدام را بخواهد ذلیل و بیچاره می‌کند نصب وزراء و عزل آنها به میل شخص شاه است قوه اجرائیه مملکتی کلاً در دست شاه می‌باشد سایرین هر کس هست دست نشانده اوست و شاه فعال مایشاء است .

ناصرالدین شاه چنانکه قبلاً نیز اشاره نموده‌ام ایرانی نیست بلکه ترك است پادشاه چهارم سلسله قاجاریه است این سلسله در اواخر قرن هجدهم به تخت و تاج ایران رسید .

در اینجا مؤلف شرحی از تاریخ قاجاریه می‌نگارد بعد از خود شاه می‌نویسد و به مسافرت های او با اروپا و دو سفر او بلندن اشاره می‌کند بعد تاریخچه ناصرالدین شاه را مختصر شرح می‌دهد و علاوه می‌کند از اوضاع سیاست اروپا بخوبی مطلع است تمام مطالب و وقایع عمده اروپا را برای او ترجمه می‌نمایند .

بعد می‌نویسد بطیب اروپائی معتقد است همیشه يك دگر اروپائی دارد و به دگر طولوزان اشاره می‌کند می‌گوید : « اول کسیکه دگر اروپائی برای خود استخدام نمود عباس میرزا بود که گوریهك انگلیسی را همیشه همراه خود داشت محمد شاه دگر فرانسوی داشت و شاه فعلی نیز دگر طولوزان را برای معالجات شخصی مدام همراه دارد .»

لرد کروزن مقداری هم از آداب و اخلاق شاه می‌نویسد بعد خطاهای او را هم شمارد و بزرگترین خطای او می‌گوید این است که امیر نظام را بقتل رسانید و تعریف بجای از امیر نظام میرزا تقی خان نموده مختصری بخدمات او اشاره می‌کند (۱) در اینجا لرد

(۱) لرد کروزن می‌نویسد راجع به خدمات و عملیات و حکومت امیر نظام بهتر است

خوانندگان بؤلفین ذیل مراجعه کنند : مارخام ، واتسون ، لیدی شیل و بینینگ ،
Markham , Watson , Lady Sheil and Binning.

این شخص دو جلد کتاب در باب ایران نوشته است .

کرزن بسوانج عمده سلطنت ناصرالدین شاه اشاره می کند .

کرزن در طهران یا شاه ملاقات نموده و در قصر گلستان بحضور رفته است شرح این ملاقات را چنین می نگارد:

« قبلا در انگلستان بحضور شاه معرفی شده بودم در اطاقی که تخت طاوس است شاه در وسط اطاق ایستاده بود لباس سیاه دزبر داشت شاه زبان فرانسه را می داند ولی صحبت شاه با من توسط يك نفر مترجم بزبان فارسی بود بنیه شاه خیلی خوب بود پیدا بود که بانشاط است و قتیکه دانست من از راه باجگیران و قوچان وارد ایران شدم راجع به آنها از من سوالات زیاد نمود و مطابق اطلاعاتی که تحصیل نموده بودم جواب دادم .»

کرزن از حرمسرای شاه صحبت می کند می گوید : هیچکس نه ایرانی و نه اروپائی اطلاعی از آن ندارند ولی خانم های اروپائی گاهگاهی با آنها رفته کم و بیش اطلاعات بدست داده اند .

بعد می رود سر موضوع عده زنهای عقدی و زنهای صیغه شاه و شرحی در این زمینه می نویسد .

بعد راجع بعده اولاد سلاطین قاجار مختصر اشاره می کند می گوید : « در سال ۱۲۲۸-۱۸۱۳ کلنل دروویل (۱) عده زنان فتحعلی شاه را مقصد فرسورت می دهد . عده پسرهای او را ۶۴ نفر ، عده دخترها را ۱۲۵ نفر .

کلنل استوارت که در مرگ فتحعلی شاه در طهران بوده عده زنهای فتحعلی شاه را يك هزار نفر مینویسد عده اولاد او را ۱۵۰ نفر .

خانم شیل عده پسرهای فتحعلی شاه را ۸۰ نفر و عده دخترها را بی حساب قلم داد میکند .

بینینگ عدد آنها را اینطور می نویسد زنهای شاه ۸۰۰ نفر پسرهای شاه ۱۳۰ نفر دخترها ۱۷۰ نفر عده تمام اولاد شاه در موقع مرگ او بالغ بر ۵۰۰۰ نفر بوده پسر و دختر و نوه و غیره .

مادام دیولافووا (۱) عدۀ اولاد ونوه وغیره راپنج هزار نفر عدہ زنہای شاہرا
 هفتصد نفر وعدۀ اولاد اورا پسر و دختر ششصد نفر صورت می دهد .

کرزن عدۀ از نویسندگان دیگر را نیز اسم می برد که احصائیه زنان و اطفال
 فتحعلی شاه قاجار را نوشته اند ولی بیتر از احصائیه تمام این اشخاص صورتی است
 که سپهر مورخ سلسلہ آل قاجار در تاریخ قاجاریہ در قسمت جهانگیری فتحعلی شا
 نوشته است این مورخ دقیق اسامی شہزادگان و شہزادہ خانمہا را بریز شرح داد
 است گویا مقصود عمدہ مورخ ایرانی از جهانگیری فتحعلی شاه همان ازدیاد و انتشار
 نسل آل قاجار بودہ کہ عالم گیر شدند و فتحعلی شاه در این قسمت انصاف باید داد ، داد
 مردی دادہ و گوی سبقت را از تمام سلاطین عالم ربودہ است . (۲)

پس از تمام این شرح و بسط ہا لرد کرزن علاوہ نمودہ گویند : « شاه فعلی
 خوش بختانہ چہل اولاد داشتہ و از آنها کہ حالہ حیات دارند فقط ۹ نفر پسر و ۱۲
 دختر است . »

مؤلف بعد از شرح و بسط از بیعہد ایران صحبت می کند و ترتیباتی کہ برای
 انتخاب ولیعہد در زمان صفویہ معمول بودہ بآن اشارہ می کند و بہ عادت سلاطین قاجار
 در انتخاب ولیعہد اشارہ می کند .

بعد از مظفرالدین میرزا شرحی می نویسد و می گویند : « یکی از مقررات این
 است کہ ولیعہد باید در تبریز توقف کند و بدون اجازہ مجاز نیست از آنجا حرکت کند
 باین وضع ولیعہد بکلی از امور مملکتی بی اطلاع می ماند . »

[1] Madame Dieulafoy .

(۲) لرد کرزن ، اگتس پادشاہ لہستان را اسم می برد (۱۶۷۵-۱۷۳۳) کہ ممکن
 است بمردانگی فتحعلی شاہ برسد مینویسد این پادشاہ برای ہر روز سال يك طفل پس انداختہ است
 و از شارل دوم پادشاہ انگلستان نیز شرحی می نویسد می گویند او نیز در این گونه اعمال
 در عصر خود بی نظیر بودہ است می گویند وقتیکہ یکی از درباریان اورا پدر ملت انگلستان
 خواند شاہ حلیم حرف اورا گرفته گفت : « پدر قسمت اعظم آنها . » ص ۱۱۱ جلد اول

Augustus the strong Elector of Saxony and king of Poland .

با اینکه والی ایالت آذربایجان است ولی دخالتی در امور ندارد باید بوسیله يك پشکار که در واقع کارها به صوابدید او میگردد امور آن ایالت اداره شود عیب دیگری که برای توقف ولعهد در تبریز عیشمارد همانا نزدیک بودن او بخاک روسیه است و ممکن است عظمت و اهمیت روسها در او چنان تأثیری داشته باشد که در وقتی که بناج و تخت ایران میرسد دیگر نتوان از ذهن او بیرون نمود و ممکن است در تمام دوره سلطنت او این سابقه اثرات خود را بیندیشد .

با اینکه شاه خودش ۳ بار باروفا مسافرت نموده است هنوز راضی نشده ولعهد او از ایران قدم بیرون بگذارد این است که هنوز از اخلاق و رفتار او اطلاعات صحیح بدست نیامده بعضی ها عقیده دارند خیلی آرام و ملایم و بعضی ها می گویند بسیار ضعیف - النفس و مست عنصر است .

من تصور می کنم دکتر ویلز در آن چیزیکه راجع به ولعهد نوشته است درباره او ستم کرده من بدون اینکه بعین گفته های او اشاره کنم فقط می گویم دکتر ولعهد را عنصرأ ضعیف و روحاً ابله و سخیف معرفی می کند (۱) بنظر من این يك معرفی بسیار بدی است از پادشاه آینده ایران، در هر حال یا ابله یا نسبت حق بدهند تا حدی باهوش معرفی شده است اطلاع خوبی از تاریخ دارد در نبات شناسی معروف شده رفتار او با علماء خیلی خوب است و نسبت می دهند که طریقه شیخی دارد و از پیروان حاجی محمد کریمخان کرمانی است حقوقیکه شاه برای او معین نموده مختلف است از چهل هزار تا هفتاد و دو هزار تومان گفته شده است که مقرری سالیانه او میباشد .

لرد کرزن راجع به ولعهد آن عمر مطالب زیادی می نویسد فعلا تمام آنها از اهمیت افتاده و تذکر آنها مطلوب نمیشد .

بعد از ظل السلطان مسعود میرزا شرحی می نویسد و حکومتهایی که رفته و کارهایی

(۲) این دکتر پانزده سال از ۱۸۶۶ تا ۱۸۸۱ طیب تلگرافخانه انگلیس در طهران بوده چند جلد کتاب درباره ایران نوشته و اوضاع و احوال آن زمان را شرح داده است بهتر است کتب سرانولد ویلسن مراجعه شود ص ۲۴۴

که انجام داده آنها را شرح می‌دهد .

می‌نویسد : در سال ۱۳۵۳ - ۱۸۸۶ به نقاط ذیل حکومت داشته : گلپایگان و خوسار - جوشقان و عراق - اصفهان - فارس - یزد - عربستان (خوزستان) - لرستان - کردستان - کنگاور - نهاوند - کمره - بروجرد - کرمانشاه - اسدآباد و کزاز تمام مالیات این شهرها بلیره حساب کنیم که هر لیره ۳ تومان باشد ۴۰۰ - ۵۹۹ لیره نقد و معادل ۷۰۰ - ۷۳ لیره جنس بوده که مجموع هر دو رقم ۱۰۰ - ۶۷۳ لیره است . در آن تاریخ قوائیکه در اختیار او بوده ۲۴ فوج که عبارت از ۱۵۰۰۰ نفر سرباز و شش هزار تفنگک تهر و ده باطری توپخانه و هشت رجمان (هنگک) سواره نظام که مجموع تمام آنها ۲۱۰۰۰۰ نفر بودند و هفت هزار رأس اسب چون محل اقامت او در اصفهان بوده غالباً با انگلیسیها که عبور و مرور می‌کردند آمیزش داشت و بنام آنها اظهار مینمود که طرفدار جدی انگلستان میباشد .

لرد کرزن از ظل السلطان قدری بیشتر صحبت می‌کند و از نظریات دکترینی که قبلاً شرح او گذشت مقداری نقل می‌کند بمقیده دکتر فوق الذکر ظل السلطان يك وقتی ادعای سلطنت خواهد نمود یعنی بعد از مرگ شاه علم مخالفت را بلند خواهد کرد دکتر آروز را آرزو می‌کند و می‌گوید در آروز ایران گلستان خواهد شد و مسکنه آن مملکت در مهد امن و امان خواهند زیست و در این هیچ تردیدی نیست که يك روزی ظل السلطان پادشاه ایران خواهد شد (۱).

در اینجا لرد کرزن سوانح عمده دوره اقتدار ظل السلطان را می‌نگارد می‌نویسد :
« ظل السلطان با علماء خیلی بد بود همیشه از آنها متنفر بوده و مدام آنها را استهزاء می‌کرد . ایلات و عشایر جنوب از او اطاعت کامل داشتند . »

از جمله خطاهائی که برای او می‌شمارد کشتن دو نفر از تجار اصفهان است که در سال ۱۲۹۵ - ۱۸۷۸ بقتل رسیدند و ایلخانی حسینقلی خان بختیاری که در سال ۱۲۹۹ - ۱۸۸۲ کشته شد .

اما در سال ۱۳۰۶ - ۱۸۸۸ هنگامی که برای ملاقات شاه پطهران آمده بود از

تمام حکومت‌های خود معزول شد و فقط اصفهان برای او باقی ماند .

لرد کرزن از ملاقات خود با ظل‌السلطان صحبت می‌کند و عمارت و زینت اطاق‌های او را به شکل مضحکی شرح می‌دهد می‌گوید : « ظل‌السلطان در وسط اطاق ایستاده بود و تکیه من داخل شدم آمد روی يك تخت خواب آهنین که نزدیک آن چند صندلی هم گذاشته بودند بودند نشست این يك نمونه از زینت قصر ایرانی بود بسیار مضحك و منتهی درجه عجیب بود (۱) .

می‌گوید در موقع صحبت و ملاقات یکی از پسرهای شاه که تقریباً هشت ساله بود وارد اطاق شد لباس مخمل‌گلی رنگ دربر داشت و الماس زیادی در سگک کمربند او نشانده بودند و معلوم بود که برادر بزرگتر او را خیلی دوست دارد و خیلی نوازش می‌نمود .

کرزن گوید : « شاهزاده در زبان فارسی خیلی حرف زد و تمام تکیه کلاهش این بود که همیشه دوست صمیمی انگلستان می‌باشد چونکه انگلستان مرکز تمدن است و او عمر خود را وقف منافع آن مملکت نموده است که کابینه لرد سالزبوری (۲) بسیار خوب است و در دنیا نظیر ندارد و امیدوار بود که همیشه سرکار بماند و لرد ووندلوف چرچیل (۳) را خیلی بی‌وقا نمی‌دانست ولی می‌گفت اسباب زحمت است پرسیدم اگر لرد مزبور در ایران باشد با او چه معامله خواهید نمود جواب ظل‌السلطان چندان بی‌ربط هم نبود اظهار کرد شاید داخل کار شود اصلاح گردد .

شاهزاده در ضمن صحبت می‌گفت من ۱۵ روزنامه انگلیسی و فرانسه و آلمانی و روسی آئونه هستم و اشخاص مخصوصی معین نمودم آنها را برای من ترجمه می‌کنند .

صحبت دور زده داخل سیاست شد چونکه بنظر می‌آمد که از اوضاع سیاسی

[1] Aculminating Example of the Bizarre Furniture of a Persian

palace P . 418 .

[2] Lord Salisbury

[3] Lord Randolph Churchill .

مطلع است گفته شد هرگاه جنگ یا صلح پیش آمد رفتار ایران چگونه خواهد بود ، اظهارات شاهزاده در این زمینه طوری بود که روح موافقت و مساعدت نسبت بدو همسایه معتدیر ایران نشان تمیذاد در صورتیکه در ضمن مذاکره بایک صاحب منصب روسی باو گفته بود که شاهزاده باکمال میل انتظار آمدن روسها را دارد .

همچنین مستر استاک (۱) در دو جلد کتاب نفیس خود موسوم به شش ماه در ایران داستانی را شرح می دهد که تا اندازه بانگلیس دوستی ظل السلطان که همیشه مدعی است شك وارد می آورد اما تصور می رود میل اصلی او بطرف انگلیسها باشد نه بطرف دشمنان آنها ، ولی شرط احتیاط را این می داند که بپردو طرف اظهار تمایل کند .

دنباله صحبت باشاهزاده به موضوع اصلاحات کشید شاهزاده اظهار کرد ایران آرزومند و تشنه تمدن است و آنرا آرزو میکند من در این نوع احساسات شاهزاده تردید دارم و قطع دارم که در موقع خود موافقت نخواهد کرد .

شاهزاده در دربار چندان مورد توجه نبود امین السلطان با او مخالفت می کرد ولی پیش کشی های قابل ملاحظه او واسبان ممتاز که برای تقدیمی آورده بود کار شاهزاده را اصلاح کرد یزد و عراق نیز ضمیمه حکمرانی شاهزاده شد این تعجب ندارد زیرا که در گردش چرخ سیاست شرقی هیچ بعید نیست که غضب شده امروز محبوب فردا شود و همه کله امروز بی کله فردا گردد .

کرزن گوید : « ترقی و تنزل ظل السلطان هر چه باشد دیگر در آینده مدعی سلطنت بشمار نمی رود و نمی توان او را در سیاست آتیه ایران یک عنصر خطرناک برای سیاست ایران تصور نمود . » (ص ۴۲۵)

لرد کرزن مقداری هم از کامران میرزا نایب السلطنه صحبت می کند می گوید : « این شخص فعلاً وزیر جنگ و تمام قوای ایران سپرده باوست و امیر کبیر نامیده می شود . و حکومت طهران نیز جزو ادارات او می باشد اگر چه معروف است طرف توجه شاه می باشد ولی آدم ناقابل و فاقد نفوذ سیاسی است . فقط شغل او دارای اهمیت است شخصاً دارای اهمیت نمی باشد فقط در میان پسرهای شاه این یکی بلد است مقداری

[۱] Mr . O . E . Stack : Six Months in Persia . 2 Vol . 1882 .

زبان فرانسه صحبت کند و معروف است از برادر خود ظل السلطان خیلی حساب می برد و از او ملاحظه دارد .

نایب السلطنه قصر بسیار عالی در طهران دارد و يك عمارت بیلابی نیز برای خود تهیه نموده است و يك باغ بسیار خوبی دارد که در تمام طهران معروف است .
مخارج نایب السلطنه بسیار زیاد است و عایدات او کم ولی وزارت جنگ تمام اینها جبران کرده است در ملاقاتی که با ایشان نمودم شاهزاده بمن اظهار نمود سان دیدن قشون و دقیده آنها را دوست ندارد چونکه از گرد و غبار میدان مشق در عذاب است و بچشمهای او صدمه می زند .

کرزن گوید « باقی پسرهای شاه دیگر قابل ذکر نمی باشند چونکه کوچک هستند و از آنچه گفته شده است بخوبی می توان استنباط نمود که در میان اولاد شاه کسی نیست که بتواند سزاوار پادشاهی باشد و یا اینکه بیایه استعداد پدرشان برسد .

فعلا کسی وجود ندارد که مدعی تاج و تخت ایران باشد و همین سبب خواهد شد يك نفری صاحب تاج و تخت ایران شود که صفات و عادات او مجهول است و از اخلاق او کسی اطلاع ندارد .

هرگاه این شخص يك پادشاه ضعیف النفس شناخته شود احدی تعجب نخواهد داشت و اگر يك شهریار خوبی خود را معرفی کرده و عملاً نشان بدهد آنوقت اسباب تعجب عمومی خواهد گردید . »

کرزن از برادرهای شاه نیز صحبت می کند و از عباس میرزا ملك آرا اسم میبرد می گوید : « چهل سال قبل مدعی سلطنت شناخته شده بود و قتیکه شاه فعلی به تخت نشست او فرار نموده به بغداد رفت و قریب سی سال در آنجا بود بعد شاه اجازه داد مراجعت کند بعد وزیر تجارت شد و رئیس افتخاری شورای وزراء بود و گاهی بحکومت میرفت توقف سی سال او در بغداد دیگر او را از هوس انداخته فعلاً خطری از او متوجه سلطنت نیست .

برادر دیگر شاه عبدالصمد میرزا عزالدوله است در مسافرت شاه بقرنگ همراه بود زیرا برای فرانسه و انگلیس را حرف می زند در موقع تاجگذاری امپراطور فعلی

روسیه نیز (الکسافدر سوم) به مسکو اعزام شد و فعلاً حاکم همدان است برادر سوم شاه رکن الدوله است که قبلاً درباره اوصحبت نمودم خودش آدم کلره نیست ولی وزیر او آدم جدی است در حالیکه طرفدار روسها است و بهمین دلیل بود که اعمال از خراسان احضار شد فعلاً هر سه برادرهای شاه هیچ يك عامل مهمی در سیاست ایران نمی باشند . »

راجع به وزراء ایران لرد کرزن شرحی می نویسد : « امروزه کلرهای مملکتی راشورای دولتی بر طبق دستور شاه اداره می کنند عده آنها قریب به سی نفر است تماماً خود شاه انتخاب نموده است .

اعضاء برجسته آن وزراء هستند که هر يك در رأس يك وزارتخانه قرار گرفته اند این وزارتخانهها تقلید از اروپا است ولی ادارائی بآنها ضمیمه شده است هیچ کلرشان بهم مربوط نیست هر گاه بخواهند این شورای دولتی را با کابینه های وزیرای اروپا مقایسه کنند يك اشتباه بزرگی است چونکه موضوع مشترك در میان نیست ممکن است گفت اقتباس این شورا از هیئت شورای امپراطوری روسیه شده باشد و بعد از مراجعت شاه از سفر اول اروپا این شورای دولتی تشکیل شد (۱) .

در این جا لرد کرزن فرمان مخصوص شاهرا که برای تعیین وظایف مجلس شورای دولتی نوشته ترجمه نموده و نقل کرده .

مرحوم اعتماد السلطنه نیز عین آنرا در جلد سوم مرآت البلدان جزو وقایع سال ۱۲۹۲-۱۸۷۴ هجری متذکر شده است .

لرد کرزن باین فرمان اهمیت مخصوص می دهد و آنرا برای يك کابینه دولت مشروطه قانون مخصوص می شمارد ولی علاوه کرده گوید : « اما ایران خیلی دور از

(۱) مرحوم اعتماد السلطنه این مجلس را مجلس دربار و گاهی هم دارالشورای دولتی می نویسد . مرآت البلدان جلد سوم ص ۱۸۶ - ۱۸۷ ایضاً شاه در نطق خود آنرا را مشورتخانه خطاب می کند و می گوید این همان مجلس است که در هرجا با اصطلاحات مختلف تسمیه کرده اند و ما دارالشوراء و مجلس وزراء می گوئیم . مرآت البلدان جلد سوم ص ۲۰۶ .

این نوع مسائل است که بتواند سلطنت مشروطه باشد این است که فرمان فوق‌الذکر بطور بی‌اهمیت تصور شده و بمرور از خاطر ها نیز محو شده است و یالینکه فهمیده و دانسته آنرا در طاق‌نسیان جاداده‌اند شورای دولتی امروز دارای هیچ اختیارات نمیباشد نه مسئولیت فردی دارد و نه مسئولیت جمعی و نه می‌تواند قوه مجریه باشد و نه قوه مقننه فقط می‌توان آنرا هیئت مشاوره نامید آنهم پس از آنکه از طرف شاه حکم صادر شود آنوقت در اجرای آن می‌توانند صحبت کنند آنهم اگر لازم باشد و مجری آن احکام نیز اشخاص آن شورا می‌باشند که نوکرهای مخصوص شاه هستند عزل و نصب و ترقی و تنزل آنها بسته بمیل شخص پادشاه میباشد این شورا رئیس مخصوصی دارد فقط کار او تشکیل مجلس است و پس کار دیگری را نمی‌تواند انجام دهد در این شورا نه مذاکره می‌شود و نه رأی گرفته می‌شود و هرگاه صحبت هم بشود غیر رسمی است و هر مذاکره هم بشود هر یک از وزراء جداگانه و محرمانه بعرض شاه می‌رساند.

سرجان ملکم در اول قرن حاضر (۱۲۱۶ - ۱۸۵۱) اخلاق و عادات و درجه معلومات وزراء ایران را خوب شرح داده است در تاریخ ایران که ملکم تألیف نموده است راجع بوزراء چنین می‌نویسد:

« وزراء ایران و رجال درباری همیشه مردمان خوش محضر و خوش برخورد هستند و هر یک در شغل خود مهارت بسزا دارند و در صحبت و محاوره استعداد مخصوصی دارند نکته سنج و در مذاکرات دقیق می‌باشند و بطور کلی می‌شود گفت معلومات و استعداد آنها فقط همین‌ها هستند که شمرده شده ولی عفت و پاکدامنی و معلومات لازمه را از این نوع اشخاصی که مدام اوقاتشان صرف رعایت آداب و رسوم ظاهری و مومولی است نمی‌توان انتظار داشت، امر معاش اینها از طرق غیر مشروع و منابع غیر مجاز می‌گذرد (۱) اوقات آنها تماماً صرف دسیسه و پشت هم اندازی است آنهم برای يك مقصود فقط یعنی برای حفظ مقام خود یا اینکه برای خراب و ضایع نمودن سایرین. این قبیل اشخاص برای رهائی از خطر دایمی ناچارند مدام از راه حيله و تزویر درآیند و جز تملق و چاپلوسی طریق دیگر نمی‌یابند در این صورت این اشخاص برای حفظ

مقامی که دارند محکومند از اینکه مردمان فرومایه و محیل و نادرست و غیر صمیمی باشند. (۱)

البته شکی نیست که در ایران وزراتی هم بوده‌اند یا ممکن است باشند لایق و باحیثیت بشمار می‌روند و از عدالت دور خواهد بود آنها را در ردیف این نوع وزراء محسوب ندارند با این حال باز معروفترین آنها از حیث عفت و پاکدامنی و هوش و ذکوت مجبور میشوند تا درجه اصول عقاید خودشان را با مقامی که دارند وفق بدهند. بعضی اوقات اعتماد شخص پادشاه باین نوع اشخاص باعث میشود که نظر بآن اعتماد از دسایس دشمنان و رقیبان خود چندی ایمن باشند با این حال مقام او چنین شخص را مجبور می‌کند که در بعضی مواقع بکار بردن دسایس و حیل را جایز شمارد و یا اینکه خود آلت اجرای آنها گردد. (۲)

در این جا لرد کرزن علاوه نموده گوید: « این بیانات از روی تعمق و بارعایت عدل و انصاف نوشته شده است صفات وزرای آلمان را مجسم نموده است اصناف باید داد که وزراء فعلی نیز اکثر آنها همان اخلاق و عادات نسل گذشته را دارا می‌باشند. » (ص ۲۲۵)

در ضمن صحبت از وزراء ایران صدر اعظم‌های ناصرالدین شاه اشاره می‌کند از میرزا تقی خان امیر نظام بعد از میرزا آقاخان نوری بعد از میرزا حسین خان سپهسالار بعد از میرزا یوسف آشتیانی صحبت می‌کند.

راجع به میرزا علی اصغر خان امین السلطان می‌گوید: « این شخص جوان است (۱۳۵۸-۱۸۹۱) فقط ۳۴ سال دارند بدون اینکه از خانواده معروف باشد در اثر جدیت و پشتکار مقام اول را در خدعات دولتی احراز نموده است و در سال ۱۳۵۶-۱۸۸۹ در سفر شاه به اروپا همراه بود امروزه بعد از شخص شاه او شخص اول بشمار میرود میرزا علی اصغر خان از خانواده ادینی است پدرش آبنار شاه بوده بعدها در

[1] Who are in Short , Condemned by Their Condition to be Venal , Artful and False

[2] History of Persia . by Sir John Malcolm Vol 2 Chp 24

خدمت شاه به مقامات عالی نایل گردید فعلا دارای شغل‌های ذیل است وزیر داخله - وزیر دربار - وزیر گمرکات - وزیر خزانه، علاوه بر اینها شخصاً امور ضرابخانه راهم اداره می‌کند و گمرکات بنادر و خلیج فارس را متعددی است و می‌توان گفت تقریباً وزیر امور خارجه هم می‌باشد .

« من چندین بار با امین‌السلطان ملاقات نمودم او را شخص باهوش - جدی و دارای عزم و اراده ظاهری دیدم خیلی موثر بنظر می‌آمد و حالت اوساده و جذاب می‌باشد در صحبت کردن بسیار روان حرف می‌زند ولی تند و مؤثر است .

امین‌السلطان مانند سایر رجال درجه اول ایران دارای ثمول بسیار است چه ارثاً باورسیده و چه جمع آوری نموده است و در يك عمارت و باغ بسیار عالی مسکن دارد .

امین‌السلطان عقیده خود را از اینکه طرفدار انگلیس است هیچ وقت مخفی نمی‌دارد نظر موافق خود را همیشه بگوش انگلیسها می‌کشد و قتیکه با من مذاکره می‌نمود از سیاست مملکت خود آرزایه با من صحبت کرد و در ضمن به من اظهار کرده گفت از جمله چیزهایی که باعث تعجب او در انگلستان شده بود ثروت هنگفت نجای انگلیس است که هر يك برای خود مانند يك پادشاه زندگی درست کرده‌اند و تربیت و تعلیم عمومی مردم که هر يك به نوبه خود يك فیلسوف بشمار می‌رود و کثرت جمعیت آنکه هر دهکده شهری و هر شهری مرکز جمعیت‌های بزرگ است .

و قتیکه از سفر فرنگستان مراجعت نموده بود منظره راه‌های ایران او را بکلی متألم نموده بود تا این درجه که حاضر شده است راه شوسه و راه آهن که بهترین وسیله ترقی است در ایران دایر کنند و در ضمن بمن اظهار نمود دو پسرهای خود را که یکی ۱۲ ساله است در انگلستان تربیت کند ولی مادر آنها راضی نمی‌شود .

امین‌السلطان با من بسیاری از مسائل سیاسی را بمیان آورد که من با آنها در اینجا اشاره نمی‌کنم فقط می‌توانم بگویم امین‌السلطان از مقاصد هر دو دولت - روس و انگلیس کاملاً آگاه بود نظر آنها را خوب استنباط نموده بود فعلا امین‌السلطان در هدف

سهام دشمنان خود واقع شده و رجال کهنه در باری مخالف او میباشند حال کارهای او موافق صلاح مملکت میباشد هر گاه بتواند اعتماد شاهر را نسبت بخود حفظ کند و بتواند از دسایس رجال کهنه پرست در باری ایمن بماند ممکن است خود را از گرد - بادهای دسائس که اطراف او را احاطه نموده است جان خود را حفظ کرده بعدها یگانه رجل سیاسی ایران گردد و نجات دهند مملکت خود بشمار رود ، حال که من این کتاب را برای طبع میفرستم ۱۳۱۵ - ۱۸۹۱ این شخص توانسته تا حال مقام خود را حفظ کند و پیداست که حسادت و دسائس رقبای او نتوانستند عقیده شاهر را نسبت به او متزلزل کنند .»

لرد کرزن مقداری هم از امین الدوله حرف میزند او را رقیب امین السلطان معرفی میکند میگوید : «در سفر اول شاه بفرنگ او نیز جزو همراهان شاه بود ولی این سفر بواسطه اختلافی که با امین السلطان پیدا کرده بود از آلمان مراجعت نمود فعلا رئیس دارالشورا و وزیر پست و وظائف و اوقاف میباشد ، در ایران معروف است که بهترین مرد ایران میباشد .

من بدیدن او رفتم عمارت بسیار عالی دارد که بوضع و ترتیب اروپائی آنرا آراسته است صحبت ما به زبان فرانسه بود این زبان را خوب حرف میزند ملاقات ما این تأثیر را در من نمود که این مرد جالب ترین اشخاص بود که من در ایران ملاقات نمودم .

آهنکه حقیقی صحبت او نشان میداد که خواهان حقیقی اصلاحات مملکت خود می باشد ولی ذوق و شوق او را برای این کار کاملا فرسوده یافتیم و بکلی مأیوس بود از اینکه در زمان او بشود روی اصلاحات را در ایران دید .

وزارت خارجه ایران سپرده به میرزا عباس قوام الدوله است ظاهرا این شخص بسیار خشن میباشد و نماینده مکتب کهنه و قدیمی است در این مسافرت همراه شاه نبود این شخص قبلا وزیر داخله بود معروف است آدم درست و جدی و متمولی است با اینکه وزیر امور خارجه ایران است در کارهای آن وزارت خانه بجای صفر بکار

می‌رود با این حال باز کلهای وزارت امور خارجه با خود شاه و امین‌السلطان حل و عقد می‌گردد .

از رجال مهم دیگر ایران میرزا یحیی خان مشیرالنوله است این شخص برادر کوچک میرزا حسین خان سپهسالار است که در سفر اول شاه بلندن همراه شاه بود بعد بمشهد تبعید شد و در سال ۲۹۸ - ۱۸۸۱ در آنجا وفات کرد.

میرزا یحیی خان از اول طرف توجه شاه بود بعد وزیر شد پس از آن خواهر شاهرا که زن امیر کبیر بود بزنی گرفت به حکومت گیلان بعد فارس رفت در غیبت شاه رئیس شورای نیابت سلطنت بود و از سال ۱۳۵۳ - ۱۸۸۵ تا سال ۱۳۵۵ - ۱۸۸۷ وزیر امور خارجه بود و از این شغل بواسطه فرار ایوب خان از طهران معزول شد چونکه سفارت انگلیس او را غیر قابل اعتماد تشخیص داد . (۱)

میرزا یحیی خان خود را در این کار بی‌تصیر میداند ولی این طورها هم نیست که بدون تصیر باشد.

میرزا یحیی خانرا چندی قبل به بطرز بورخ برای انجام مأموریتی روانه نمودند در آنجا احترامات زیادی در باره او بجا آوردند معروف است که در این مسافرت مقنون نظریات دوسهاسنده عقاید آنها را قبول نموده است فعلا میرزا یحیی خان وزیر عدلیه و تجارت میباشد زبان فرانسه را در طفولیت تحصیل نموده در سیاست اطلاعات کافی دارد و باوضاع واحوال اروپا آشنا است و چنین بنظر می‌آید که یکی از باهوش ترین رجال سیاسی امروزه ایران میباشد . از تمام وزراء ایران که من با آنها سر و کار داشتم این شخص کمتر دارای روح شرقی و بیشتر دارای روح غربی بود .

در ملاقات من با میرزا یحیی خان مشیرالنوله پس از ده دقیقه که بتعارف و احوالپرسی گذشت مشیرالنوله از روی اطلاع و دلیل شرحی در مسائل ایران گفت و علاوه نمود هرگاه دولت انگلیس نصف آن پولی را که برای جدائی انداختن بین ایران و افغانستان صرف نمود صرف جلب دوستی ایران مینمود از مردم یکنسب بزرگی برای

حفظ هندوستان تهیه نموده بود .

معروف است که مشیرالدوله بطرف روسها متمایل است ولی در صحبتهای خود با من این تهمت را از خود دور می‌کرد و جداً تکذیب می‌نمود شاید امروزه مشیرالدوله مجدداً برآه آمده باشد در هر صورت از شخصیت او برای آینده نمی‌توان صرفنظر نمود .

در این جا در آخر جمله کرزن علاوه نموده می‌نویسد « میرزا یحیی خان مشیرالدوله در ژانویه ۱۳۰۹-۱۸۹۲ وفات کرد. »

لرد کرزن از سایر وزراء نیز مانند محمد حسن خان اعتماد السلطنه و مخبرالدوله اسم می‌برد از اعتماد السلطنه می‌نویسد : « مترجم شاه است اخیار جراید اروپا را برای شاه ترجمه می‌کند و بشاه خیلی نزدیک است » از مخبرالدوله می‌نویسد « ایشان وزیر علوم و وزیر تلگراف و وزیر معادن است » و علاوه می‌کند « از زمانیکه تلگراف در ایران دایر شد با اینکه با انگلیسها روابط پیدا کرده است و نشان هندوستان را از دولت انگلیس داراست (۱) اخیراً هم که شرکت بکار انداختن معادن ایران تشکیل شده روابط با انگلیسها خیلی نزدیک شده است. » (۲)

لرد کرزن از حسنعلی خان امیر نظام گروسی هم صحبت می‌کند می‌گوید : « اگر چه او وزیر نیست ولی تا این اواخر وزیر و پیش‌کار ولیعهد در آذربایجان بوده خود از اهل بیجار است زبان کردی را خوب می‌داند این است که خوب می‌تواند کردها را خوب اداره کند باحوال آنها آشنا است این شخص یکوقتی وزیر مختار ایران بود در پاریس (۳) زبان فرانسه را بخوبی می‌داند چندین بار بلندن مسافرت کرده مرد با عزم و ثابت قدم است حالیه ۷۵ سال دارد ولی با بنیه خوب ، گاهی مذاکره شده که

[1] C. I. E. Companion of the order of the Indian Empire

[2] The Persian Mining Rights Corporation

(۳) امیر نظام در سال ۱۲۷۵ وزیر مختار ایران بود در پاریس شرح ملاقات او را

در آن تاریخ با سرهبری رالنسون در ضمن وقایع آن در جلد دوم صفحه ۵۵۵ شرح

۲۴۴

برای وزارت امور خارجه معین کنند ممکن است در زمان پادشاه بعد صدراعظم ایران بشود .»

لرد کرزن در آخر این فصل از يك هیئت مشاوره مملکتی نیز صحبت می کند می گوید :

« شاه این هیئت را معین نموده برای اینکه در مسائل سیاسی اظهار عقیده کنند این هیئت عبارت است از امین السلطان صدراعظم - کامران میرزا نایب السلطنه - میرزا علیخان امین الدوله - میرزا عباس قوام الدوله و مخیر الدوله وزیر تلگراف . این بود رجال عمده و معروف ایران که شرح حال آنها گفته شد و از آنچه که من شخصاً دیده و شنیده و استنباط نموده ام .

امروز در ایران اشخاص لایق برای اصلاحات وجود دارد و از این حیث تکرانی نیست ولی وجود دسیسه خودیك مانع بزرگی است بعلاوه حسادت در میان آنها فوق العاده قوی است .

نصبات هنوز در آن مملکت از بین نرفته ، شاه و وزراء در بیج و خم های يك اصول که آمیخته با هر نوع فساد است غوطه ورنند من در فصل آینده با آنها اشاره خواهم نمود که تا چه حد و اندازه گرفتار آنها هستند .»

فصل شصت و ششم

کردگرن حکومت ایران را شرح میدهد

کردگرن ایران را سلطنت مستبد می‌نامد - یگانه کسی که برمال و جان سکنه ایران تسلط دارد شاه است - القاب شاه - شاه فعلا آن قدرت و نفوذ شهریاران گذشته را ندارد - از سلاطین صفوی اسم می‌برد - نفوذ علماء - شاه از جراید اروپا ملاحظه دارد - پیش‌گشی - وسیله ثروتمند شدن در ایران - مداخل - علت رواج این طرز حکومت - دلایل کردگرن برای بدی حکومت ایران - خلعت شاهانه - راههای دخل در ایران می‌شمارد - عده نوکرهای اعیان و اشراف ایران - صدراعظم ایران سه هزار نفر نوکر داشت - مواجب و حقوق - در تربیت ملت غفلت می‌شود - اثر انتشار دو جلد کتاب کردگرن - فصل شانزدهم جلد اول کتاب - از ترقیات دوره ناصری صحبت می‌کند - تنزل پول رایج ایران - ضرابخانه - خرید ماشین سکه زنی از پاریس - میزان عیار طلا و نقره - بواسطه زیادی واردات طلا کم شد حتی نقره - دولت ایران اخراج طلا را از ایران غدغن نمود - کردگرن اسم این عمل را رویه خوش آیند می‌نامد - بانک شاهنشاهی ایران - انتشار اسکناس در ایران - فرمان شاه برای منع ورود و رواج منات روس - اشاره به میرزا حسین خان سپهسالار - اشاره به امتیازات که دولت انگلیس از میرزا حسین خان بدست

آورد - اشاره به امتیاز رویتر - نتیجه که پیدا کرد - راههای ایران - تعلیم و تربیت در ایران - میرزا علی محمد باب و صبح ازل - از کتاب رایینو راجع به تنزل تدریجی پول ایران صحبت می کند .

در فصل چهاردهم جلد اول کتاب خود کرزن از وضع حکومت ایران صحبت می کند در اول فصل حکومت ایران را سلطنت مستبد می نامد و توضیح می دهد در این مملکت پادشاه مطلق العنان است هر چه بخواهد انجام می دهد و در سرتاسر مملکت ایران شاه مختار کلی است او امر او حکم قانون را دارد هر کسی را بخواهد نصب و هر که را بخواهد عزل می کند .

خلاصه امروز ناصرالدین شاه در آن مملکت حاکم مطلق و صاحب بلا مانع مال و جان سکنه ایران است .

تمام منابع ثروت مملکت مال او بشمار میرود و هر کس بخواهد امتیاز بگیرد باید از شخص پادشاه باشد .

خلاصه هر چه هست در ید اقتدار شاه است لا غیر قوه مقننه ، قوه اجرائیه و قوه قضائیه ، هر سه در اختیار شاه می باشد و خود شاه یگانه عامل این سه قوه مملکتی است .

شاه در ایران تنها نقطه ایست که تمام چرخهای مملکتی در اطراف او دور میزند این است روح حکومت شاهنشاه - ظل الله - قبله عالم - کیوان رفعت - خورشید رأیت - فلك ربیت - گردون حشمت - اقدس همایون - خسرو اعظم - خدیو انجم حشم - جمشید جاه و غیره می خوانند (۱) ولی تاحدی اینها الفاظ و عبارات است .

شاه امروز آن جلال و شوکت را ندارد که این القاب و عناوین نشان می دهند .

(۱) لرد کرزن این القاب را از کتاب فاولر Fowler موسوم به ۵۰ سال در ایران

نقل نموده است .

د در عهدنامه تجارتی که در سال ۱۸۵۶ مطابق سال ۱۲۷۳ هجری قمری یادول متحده امریکا بسته شده است در آن عهدنامه این القاب بیلاوه دیگر هم بکار رفته است لرد - کرزن دیگر در اینجا با آنها اشاره نکرده است .

در درجه اول شاه ایران نفوذ روحانی ندارد یعنی در عالم تشیع پادشاهان ایران هیچ وقت نفوذ روحانیت را نداشته طوریکه در قرون وسطی خلفای بغداد دارا بودند حتی آن مقام روحانی را هم ندارد که خلفای آل عثمان بر خود می‌بندند، فقط سلاطین صفویه به ملاحظه اینکه از اولاد علی شناخته شده بودند تا حدی مردم با آنها حس اطاعت و احترام داشتند و ملت ایران پس از شاه عباس در مدت یک قرن تسلیم پادشاهان عیاش و خوش گذران بودند بدون اینکه اقدامی بکنند و خواهی نخواهی از آنها اطاعت میکردند آنها بوسیله سیادت آنها بوده .

شاردن معروف که در زمان صفویه در اصفهان بوده می‌نویسد:

مردم ایران سلاطین صفویه را نایب امام می‌دانند دیگری می‌نویسد (۱) آب دست و روشوی پادشاه صفوی را مردم برای شفاي مرضای خود می‌برند و آنرا مقدس می‌شمارند ولی اینها فقط در زمان پادشاه صفویه بوده (۲) دیگر سلاطین قاجار این مقامها را ندارند با این حال برای شاه فعلی یعنی در مقابل نفوذ و اقتدار او علماء روحانی هستند گرچه در زمان ناصرالدین شاه بدون اینکه آنها را بر نجانند توانسته سلطه دولت خود را برقرار کند و روحانیون را مجبور باطاعت کند تا این اندازه هم که روحانیون قبول کرده‌اند برای این پادشاه موفقیت بزرگی است چونکه در زمانهای قبل این قدرها رعایت و ملاحظه نمی‌کردند مگر در زمان نادر شاه افشار که مرد صاحب نفوذ و با اقتدار بوده و جلوه نفوذ روحانیون را بکلی گرفت .

از جمله موانعی که برای جلوگیری از تعدیات و اجحافات شاه می‌شمارد افکار عمومی اروپا را اسم می‌برد می‌گوید این مسئله طرف ملاحظه شاه است که کاری نکند و ظلمی نشود چونکه جرایم اروپا آنها خواهند نوشت ، در حقیقت اینهم در اثر این

[1] E Kaempfer : Journey in persia And other Oriental Countries .

این شخص هندی است در زمان صفویه گویا در اواخر دوره آنها در ایران بوده در

سال ۱۷۱۲ - به فهرست کتب سرانولد ویلسن مراجعه شود ص ۲۳ و ص ۱۱۳ .

(۲) این امتیاز را هم آقای سید احمد کروی از سلاطین صفوی سلب نمود .

است که نمایندگان دول اروپا در طهران مقیم هستند به ملاحظه آنها بعضی عملیات که در تاریخ ایران نظیر آنها زیاد است فعلاً با آنها عمل نمی‌شود .

راجع به طرز حکومت و اساس تشکیلات آن در ایران لرد محترم می‌نویسد :
 « که اساس آن از زمان سلاطین هخامنشی تا امروز فرقی نکرده است مملکت ایران با ایالات تقسیم شده بهر قسمت يك والی یا حاکم حکمرانی می‌کند »

طبقه بندی ایالات ایران و طرز حکمرانی و تقسیمات هر يك را می‌نویسد و چگونه حکمرانان باین قسمت ها فرستاده می‌شوند همه را بیان می‌کند ترتیب دادن پیش کشی برای هر محلی و موفقیت آن کسی که پیش کش یا تعارف را بیش از دیگران می‌دهد تمام را با جزئیات شرح می‌دهد و بطور خلاصه گوید : « هر کس تقریباً بدون استثناء که در خدمت دولت ایران است مقام خود را یا از شاه و یا از یکی از وزراء یا بالاتر از خود بوسیله تعارف و رشوه بدست آورده است هر گاه برای يك مقام بیش از یک نفر داوطلب باشد آن شغل یا مقام بکسی می‌رسد که تعارف و پیش کشی را زیاده از سایرین داده است . »

لرد کرزن راجع به پیش کشی و تعارف دادن بالاخره موضوع مداخله را در ایران عنوان نموده شرح مبسوطی در این موضوع می‌نگارد و می‌گوید: این موضوع در میان تمام طبقات ملت ایران از شاه تا کوچکترین اشخاص معمول می‌باشد کاری بدون آن صورت نمی‌گیرد و هر کس بدون اینکه شرم داشته باشد یا خجالت بکشد بر ملاء و آشکارا بدن می‌گرود و این عمل جزو زندگانی ایرانی است و احدی از آن روگردان نیست و در هیچ مملکتی این عمل این اندازه رواج ندارد .

پس از این بیانات مداخله شاهرها شرح می‌دهد می‌گوید « شاه از این حیث در رأس قرار گرفته است .

بعد از مداخله سایرین صحبت می‌کند همینطور شرح می‌دهد تا طبقات پائین مستخدمین دولتی و مداخله هر يك را جداگانه توضیح می‌دهد تا برسد به کلاستر و کدخدای و علاوه می‌کند از طرز مداخله بردن همینطور پیش می‌رود تا برسد بجائی که دیگر کسی

باقی نماند که بتوان از او مداخل برد چونکه دیگر کسی نیست که زیر منگنه مداخل قرارداد از او چیزی بگیرند .

در اینجا لرد کرزن داستانی را از قول بارون فون تن فن استاین (۱) اطریشی که در سال ۱۲۹۹ - ۱۸۸۱ تا ۱۳۵۵ - ۱۸۸۲ رئیس مالیه ساوه بوده حکایت می کند می گوید : « این شخص یکسال در این عمل بوده چنین می نویسد : آن کسی که قبل از من بوده بیست و پنج هزار فرانک برای بدست آوردن این مأموریت داده بود البته پول یا مداخل شاه بود یا اینکه آن وزیری که این حکم را صادر کرده باو رسیده بود و حاکم آنجا هشتاد هزار فرانک در یک سال از این مأموریت فایده برد اینهم مداخل حاکم بود همینطور برود تا درجه آخر که دیگر کسی نماند از او چیزی وصول شود .

در نظام هم يك جنرال بدون دادن تعارف یا پیش کش که مداخل طرف محسوب میشود ممکن نیست آن مقام را بدست آورد پس از آنکه بدست او هم از کلنل که زیر دست اوست از او باید مداخل کند .

کلنل هم از مارتور پرود تا تاین یا سرباز ، او هم مداخل خود را دارد که مافوق او باو اجازه میدهد رفته برای خود کاسبی کند و دخل ببرد ، همینطور است در موضوعات مالی و غیره از شاه گرفته تا کوچکترین مأمور دولت دنبال مداخل هستند هر مافوقی از مادونش بالاخره وقتی که درست ملاحظه شود رعایای بی دست و پا هستند که غارت می شوند .

و تعجبی نیست که با چنین اصولی که در مملکت جاری است یگانه طریق تحصیل ثروت و بدست آوردن آن مقام است .

چه بسیار دیده شده است اشخاصیکه دارای ثروتی نبودند همینکه به يك مقام رسیدند دارای همه چیز شده اند قصر عالی ، نوکر و دستگاه مجلل و زندگانی شاهانه

(۱) لرد کرزن این شخص Baron Von Tenfenstein را گاهی رئیس مالیه ساوه س ۴۴۲ گاهی حاکم ساوه می نویسد س ۴۵۰ معلوم می شود این شخص در خدمت دولت ایران بوده .

درست کرده‌اند این مثل معروف تقریباً در ایران مصداق پیدا کرده و همه بدان عمل می‌کنند (عمل کن با آنچه که توانی و مادامیکه دست رس‌داری) و این عبارت ورد زبان هر کسی است افکار عمومی نیز مخالف این اصول نیست و هر کسی که نتواند بموقع و به نوبت خود استفاده کند مورد ملامت است .

این اصل در میان تمام طبقات و درجات از صدر تا ذیل معمول است و کسی نیست سوال کند این اشخاص این ثروت را در اتنك مدتی از کجا فراهم می‌آورند البته شکی نیست که اموال رعایای زحمت کش بدبخت مملکت است که جمع شده عمارت‌های عالی، قصرهای مجلل و زندگانی باعیش و نوش و خدم و حشم زیاد برای آقایان آماده نموده است .

شبهه این بیانات را سرلوئیزیلی (۱) که نماینده دولت انگلیس در بوشهر بوده جزو راپرت‌های خود داده است ، در اینجا قسمتی از راپرت‌های فوق‌الذکر را نقل نموده است و در آن مجسم میکند چگونه حاکم يك محل حکومت آنجا را بدست می‌آورد و بعد چگونه قسمتهای قلمرو خود را بسایرین بمزایند اجاره میدهد و هر يك از این اشخاص چگونه در اتنك مدتی دارای تمول سرشار میشوند بعبارت دیگر چگونه سکنه را غارت میکنند .

دردنباله این مسائل لرد کرزن داخل در تحقیق علت اساسی رواج این ترتیب حکومت ایران شده است در نتیجه چنین مینگارد :

«این ترتیب و وضع حکومت که ایران داراست ممکن است اسباب تعجب شود که چه طور يك ملتی که در تاریخ گذشته همیشه برای ایجاد انقلاب استعداد نشان داده است بیک چنین وضعی ظالمانه تن در میدهد و اکثریت توده که مالیات بده هستند راضی میشوند این طور غارت بشوند نام تصور میکنم دلیل اساسی در این است که مملکت ایران بیک مملکت دموکراسی است منسوب بودن به خانواده پست و محقر بهیچ وجه مانع رسیدن به مقامات عالیه مملکتی نیست لیاقت و استعداد طوریکه در معالک

[1] Sir Lewis pelly : Report on the Tribes Around the Shores of the Persian Gulf . 1874

اروپا باعث ترقی اشخاص است در ایران طرف توجه نیست هر کسی که توانست رشوه یا پیش کشی قابل تهنیه نموده بدهد میتواند بمقامی که بخواهد نایل شود ولو هر قدر هم بی اهمیت و غیر معروف باشد .

اغلب حکام ایران نوکرهای شخصی اشخاص بزرگ بودند که قبل از رسیدن بمقامات عالیّه در تمام رشته های نوکری سیر نموده اند صدراعظم فعلی (۱۳۰۹-۱۸۹۲) چنانکه قبلاً تذکر داده ام از خانواده محشر می باشد پدرش آبدار سلطنتی بوده صدر اعظمی که در مسافرت اول شاه بلندن همراه بود (میرزا حسین خان سپهسالار) نوه يك (دلاک حمام) سلمانی بوده (۱) میرزا تقیخان امیر نظام آن مرد بزرگ پسر يك آشپز بوده خلاصه هر شخصی در ایران از این وضع و ترتیب استفاده مینماید و منتظر است که روزی نوبت او برسد .

این است که این اجحافات و تعدیات با آنچه که برای آینده انتظار دارد و خود را در آن وقت دارای همه چیز خواهد دید در نظر او چندان طرف مقایسه نیست او نیز از يك چنین اصل و ترتیب بموقع استفاده خواهد نمود و منتظر فرصت خود میباشد این است که با هر تعدی و ظلم و ستم می سازد و تحمل میکند .

دلیل دیگری نیز برای اذمه و بقای این اصل و رسم وجود دارد آن کمی حقوق مستخدمین دولتی است بطور کلی حقوقیکه دولت بعمال خود میدهد بسیار اندک و خیلی کم است همین قدر مخارج مختصر خانواده او را کفایت میکند دیگر بهبودی زندگانی او در نظر نیست دولت آنرا طرف توجه قرار نمی دهد آنچه بر ابراهیم دولت ایران نمیخواهد بدهد مداخله جای آنرا بر میکند اینرا همه کس بخوبی میداند هر گاه تصور شود که بواسطه بروز يك ترتیب معجزه مانند اخلاق و صفات ایرانی تغییر کند که از مداخله دست بردارد و یا بواسطه او امر سخت و شدید يك پادشاه بجزم و اراده موضوع مداخله که این همه طرف توجه ایرانیان است منع شود و مرتکبین آن بمجازات تند و شدید گرفتار آیند و در عوض دولت در حقوق اعضاء و مستخدمین

خود پنجاه درصد اضافه نکند بدون تردید دستگاه دولت ایران از کار خواهد افتاد بنابراین قطع نظر از اینکه این رسم و عادت در میان تمام طبقات ریشه دوانده همه کس را علاقه مند به مداخل نمودن است .

مادامیکه يك پادشاه نظر تنگ طماع در ایران سلطنت می کند و مالیه آن بهمین وضع تنگدستی و تنگ چشمی اداره می شود مداخل کردن جزو اعمال عادی و روزانه زندگی ایرانی باقی خواهد ماند .

اگرچه ممکن است تصور نمود که وجود يك چنین ترتیب یعنی خرید و فروش مقامات دولتی سبب میشود که باقی ماندن در سر يك شغل برای مدت زیادی غیر ممکن میشود ولی در عمل این طورها نیست زیرا آن کسیکه در سر کار است بهتر می تواند آن شغل را در دست خود نگاهدارد تا آن کسیکه مدعی مقام اوست ، شخصی که در سر کار است با وسائلی که در دست دارد بهتر می تواند در مینگی که باید بشاه داده شود علاوه کند بعلاوه امتحان خوب حکومت کردن و برای این کار لایق بودن این نیست که اسباب سعادت سکنه و آبادی آن ایالت را فراهم آورد اینها اسباب بقای او در سر کار و حکمرانی نیست بلکه موقوف شدن راه زنی و دزدی در راههای عمومی و به موقع رساندن مالیات شاه و عواید دولت به خزانه است والا استعداد و لیاقت اشخاص قابل ملاحظه نیست در عزل و نصب هیچ دخالتی ندارد .

لایق بودن و یا نداشتن لیاقت و استعداد، طرف توجه و ملاحظه نیست بسا شده است که شکایتها از يك حاکم شده است و تمام هم بجای و صحیح بوده ولی همینکه يك چنین حاکمی چند هزار تومان به مالیات دولت و پیش کشی شاه علاوه نمود مجدداً آن شخص ظالم و باعمل در شغل خود باقی می ماند و ظلم و تعدی خود را در مقرر حکمرانی خود ادامه می دهد .

آن چیز بسا مداخل شناخته شده البته از نقطه نظر گیرنده بنام پیش کشی و سبب تعدی میشود هر پول رشوه را که برای بدست آوردن مقام یا برای تغییر رأی قسوت قضی یا برای زهانی یافتن از مجازات و تنبیه یا موضوعات دیگر از این قبیل است را پیش کشی می نامند این يك کلمه فریبنده عجیب و گش دار است بهر نوع پولی

که از این راه برسد بنام پیش کش قبول می نمایند .

این پیش کشی ها بدون عنوان تقسیم میشود یعنی پولپائی که ازوالی يك ایالت میرسد با پولپائی که از مجرمین و خطاکاران گرفته میشود . در تحت این دو عنوان میتوان نام برد .

اول وجوهی که معین و معلوم شده و بطور آشکارا مرتباً اخذ میشود و این قبیل وجوه معمول شده و بدون گفتگو پرداخت میشود .
دوم وجوهی که ترتیب منظمی ندارد در هر موقع که لازم شد و اقتضاء نمود گرفته میشود .

در تحت عنوان اولی پیش کشی های عید نوروز است که بشاه تقدیم میشود هر وزیری هر والی هر صاحب قبیله و هر مستخدم عالی رتبه باید در روز اول سال تقدیمی خود را بدهد و برای هر يك از مقام ها میزان معینی از سابق برقرار شده و زیاده از آن میزان منوط به همت دهنده است همانطوریکه سر جان ملکم در قرن حاضر تمام آنها را شرح داده است و کمتر از آن میزان معین باعث خرابی کار اوست و زیاده از میزان باعث سرافرازی و مزید بر الطاف شاهان است .

مبلغ این پیش کشیها در ایام سر جان ملکم قریب دو خمس مالیات ایران بوده در آن تاریخ مالیات ایران ۳ میلیون لیره بوده و میزان پیش کشیها از این حساب يك میلیون و دو بیست هزار لیره بوده است .

مادام سرینا^(۱) مبلغ پیش کشی عید نوروز ناصرالدین شاهر اوست هیلین فرانک می نویسد تصور می رود اشتباه باشد این مبلغ دو برابر مبلغی است که سر جان ملکم برای میزان پیش کشی فتحعلی شاه معین می کند در صورتیکه میزان پیش کشی ناصرالدین شاه در عید نوروز ثلث یا نصف مبلغ پیش کشی است که در این روز تقدیم فتحعلی شاه میشده .^۲

در این جا لرد کرزن داخل در موضوع خلعتهای شاهانه میشود و آنرا شرح میدهد

[1] Madame Serena : این نام دو جلد کتاب در باب ایران نوشته است :

« Hommes Et Choses En perse 1883 - Une Européenne En perse » 1881 »

چگونه در اول سال برای هر حاکمی و یا هر صاحب مقامی از طرف شاه برای ادایه شغل او در اول سال خلعت فرستاده میشد و با تشریفات آن خلعت را استقبال می کردند و چطور باید در مقابل خلعت بها داده شود در این موضوع شرحی می نگاریم و می گوید :

• برای آن کسیکه خلعت فرستاده می شود آن شخص میداند که برای یکسال دیگر در سرشغل خود باقی خواهد ماند .

در هر شهری محل مخصوصی برای اینکار معین شده آنجا را موسوم به محل خلعت پوشان نموده اند که در آنجا بایک جلال و شکوهی خلعت شاهانه استقبال میشود حاکم یا فرمانفرما هم همین عمل را نسبت بزرگستان خود یعنی حکام جزء معمول میدارد برای آنها خلعت میفرستد و انتظار پیش کشی دارد این عمل بطور کلی در میان تمام مأمورین دولت از بالا تا پائین مجری و معمول است .

اینها منابع معلوم و معینی از عایدات شاهان است و باین مبالغ پولهای دیگری نیز علاوه میشود که آنها را پیش کشی یا تقدیم های جداگانه و غیر منظم میدانند از این قبیل پولها مبالغی است که در موقع نایل بدرجه شدن یا بمقام تازه صورت می گیرد کسانی که باین مقامات میرسند ناچارند يك تقدیمی حضور شاهانه تقدیم کنند تازه این تقدیمی مانع از آن نیست که داوطلب دیگری برای آن مقام نباشد این شخص تازه بمقام رسیده ناچار است برای حفظ مقام خود تعارف و پیش کشی های متوالی بدهد اگر غفلت کند مقام خود را بخطر انداخته است این شخص که تازه بمحل حکمرانی رسیده ممکن است يك اتفاق سوئی در قلمرو او پیش بیاید در این موارد این شخص ناچار است فوری چند هزار تومانی بمرکز بفرستد و بواسطه این چند هزار تومان مقام آن شخص محکم شده دیگر متزلزل نخواهد بود .

تنها این یکی نیست طرف دیگر نیز برای اخذ تعارف و پیش کشی در کار است مثلاً شاه میخواهد یکی از نوکرهای خود مرحمتی نشان بدهد اطلاع میدهد که فلان روز بمنزل او خواهد رفت يك چنین شخصی که مشمول عواطف شاهانه می شود ناچار

است مبلغی برای تقدیمی یا پیش‌کشی حاضر کند (۱)

گاهی اتفاق می‌افتد که شاه هدیه بایک یا دبودی بیکی یا چند نفر از معروفین رجال می‌فرستد در این موقع آن اشخاصی که حُرف توجه و عنایت شاه واقع شده‌اند هر يك بفرآخور مقام شاه و استعداد خود باید مبلغی پیش‌کشی در عوض آن مرحمت برای پادشاه بفرستد .

از جمله طرفیکه شاه از درباریان خود پول در می‌آورد یکی هم شکار کردن میر یا پانگک شاه است که اتفاقاً بتیرشاه گرفتار شده در آن روز این شکار شاهانه برای بعضی از رجال فرستاده میشود که تماشا کنند و نازشست بدهند . در این صورت آنها هم باید مبلغی برای شاه تقدیمی یا نازشست بفرستند .

از جمله دخل شاه یکی هم این است که بعضی اوقات شاه داخل تجارت بازار شده با یکی از تجار بازاری طرح شرکت میریزد و متاع آن تاجر بدرباریان شاه به قیمت های گران فروخته میشود آنوقت نصف نفع یا بیشتر آن باید تقدیم شاه گردد . در اینجا کرزن علاوه نموده گوید : « تا این اندازه که شرح مداخل داده شد یقین است خواننده بخوبی درک خواهد نمود که این موضوع در ایران تا چه درجه رایج است و این نیست جز اینکه از خرابی اوضاع حکومت ایران و فساد آن اصولی که ایران بواسطه آن اداره میشود حکایت کند .

با چنین اصولی هیچ نمی‌توان امیدوار بود که يك مرد مقتدری و صاحب نفوذی می‌تواند امید وار شده در سرکار عمومی باقی بماند .

بقای یکنفر در سرکارهای عمومی فقط بسته به میل شاه است و بس ، هر قدر که کیسه این اشخاص طویل باشد و بتواند بواسطه دادن پیش‌کشی یا تقدیمی خود را در

(۱) خاطر ندارم این داستان را کجا دیده‌ام در هر حال در جایی خواندم که ناصرالدین شاه دفتر مخصوصی داشت که بودجه مملکتی را در آنجا یاد داشت می‌کرد در آخر سال وقتیکه مشاهده می‌نمود کسر بودجه دارد نقشه چندین مهمانی را طرح می‌کرد که به منزل اعیان درباری برود هر يك از آنها ناچار بود مبلغی که شاه پسند باشد تقدیم قدوم شاهانه کند و از این نوع تقفد ها کسر بودجه مملکتی یا شخصی را جبران مینمود .

سرکار نگاهدارد و قتیکه يك چنین ترتیب و اساس فاسد پوسیده در ایران حکم فرما است مردمان شرافتمند و صحیح‌العمل ایران باید در گوشه‌های عزت عمر خودشان را تمام کنند.

گاهی هم میشود که یکی از این مردمان درست کار روی کار می‌آیند ولی رشوه و دسیسه دیگران در پشت پرده بزودی این مرد درست کار را از بین می‌برد چونکه رفتار او مطابق رفتار سایر درباریان نیست (۱) در نتیجه فقط ملت است که بواسطه یک چنین حکومتی غارت میشود و دارائی آنها بعنوان مداخل و پیش‌کشی از دست آنها گرفته میشود.

اینها تنها نیستند که مملکت ایران گرفتار است عمال دولت علاوه بر این تعذبات و غارت ها کارهای مملکتی را هم فلج می‌کنند مبالغی از خزانه دولت برای آبادی و مخارج مملکتی داده میشود که به مصرف لازمه برسانند مانند جوهی که میبایست بشون و نظامیان برسد یا تعمیر یا ساختمان ابنیه دولتی یا کارهای عام‌المنفعه مانند پل سازی و راه سازی و امثال آنها، وجوه تمام اینها بواسطه عمال خود دولت حیف و میل میشود بدون اینکه دیناری خرج این مؤسسات گردد و شخص شاه از این جریانات بکلی بی اطلاع است و نمی‌تواند مطلع بشود و سیله کشف و تحقیق در کار نیست که از دزدی و تقلب جلوگیری کند و سایل نفیث و تحقیق وجود ندارد رسیدگی غیر ممکن است و نمی‌توان جلوگیری کرد و تمام آنها بجهت اشخاص وارد میشود که مسئولیت انجام سپرده بآنها است علاقه تمام عمال دولتی و درباریان در این است که يك چنین حکومتی را پستی بانی کنند و يك چنین اصول و اساسی را نگاهداری نمایند.

اینك می‌توان بخوبی استنباط کرد که در ایران چند طور يك سد محکمی در مقابل اصلاحات اساسی ایجاد شده است و امیدواری با اصلاحات در ایران چقدر ضعیف می‌باشد و تصور نمی‌رود ایران بدون کمک خارجی بتواند از این موانع خلاصی یابد. علت عمده نبودن کارهای عام‌المنفعه در ایران است همانا نتیجه دزدی و اختلاس

[1] He Falls Because at Rome He Failed to do what the Romans Did . 448 .

عمال دولتی است که ملرز و تزیین حکومت فعلی (۱۳۵۹ - ۱۸۹۱) ایران باعث اصل آن می باشد .

وقتی که بنگ سیاحی در ایران مشغول سیاحت است بیشتر باین نکته برخورد می کنند که هیچ اثری از کارهایی که برای نفع عمومی است وجود ندارد .

وقتی که من این مسافرت طولیل خود را در ایران بخاطر می آورم خوب فکر می کنم چه قدر کاروانسراها - بل ها - میمانخانه ها و غیره من دیدم که خوب و آباد بودند وقتی که وقت می کنم می بینم عدد آنها در تمام آن مملکت وسیع بشماره انگشتان دودست انسان نمی رسد همینطور مساجد جز چند مسجدیکه در شهرهای عمده واقعند باقی آنها تماماً در حال خرابی و ویرانی است .

همین مدارس مذهبی از ظاهر آنها آشکار است که کسی را بداخله خود جلب نمی کند همایشن رو بخرابی است .

قصرهای عالی و باغهای وسیع که متروک و بایر افتاده اند مناطقی وقت آور آنها که در حال انهدام است نشان می دهند چگونه شاه فعلی ایران شوکت و جلال سلطنت خود را در خرابی و ویرانی یادگارهای سلاطین گذشته ایران می خواهد جلوه بدهد هر گاه در جایی بنا محول یا بنا را با کاروانسرا یا یک بل جدید دیده میشود بنای آنها را اشخاصی متفرقی باعث شده اند محروک آنها نیز عقاید مذهبی بوده و یا اینکه برای کسب شهرت بساختن آنها اقدام نموده اند فقط بناهای عمومی برای استفاده مردم ایران همین چند فقره مختصر است .

اما وقتی که اینها را با آن بناهای مجلل دوره پادشاهان صفوی که برای رفاه و آسایش عمومی ساخته بودند مقایسه کنیم تفاوت آن بی اندازه زیاد است و میتوان گفت هیچ صرف نسبت نیست .

راجع به راهبردی عمومی و راه آهن ایران که تاچه اندازه در این دو موضوع غفلت شده است، من بعدها در آن باب صحبت خواهم نمود از تمام این بیانات و مثالهایی که برای بودن روح سازآمدنی و توجیه کارهای مملکتی در ایران با آن وضع حکومت و اصولی که دارد شرح آن گذشت که هر کس مشغول است همسایه خود را غارت بکند

تمام اینها هیچ يك با اندازه موضوع منابع طبیعی ایران دارای اهمیت نیست و در این قسمت بیش از هر قسمتی عدم علاقه و توجه نشان داده شده است .

قریب سیصد سال است که مسافرین و سیاحان در ایران رفت و آمد داشته و سیاحت نموده‌اند تمام آنها از ثروت تمام نشدنی معادن ایران بحث نموده‌اند ولی تا حال بطور صحیح و یا اساسی از این ثروت خداداد استفاده نشده است مگر اینکه یکسال قبل يك کمپانی انگلیسی تشکیل شد که مشغول کار گردیده، (۱) (ص ۴۴۹)

در اینجا لرد گرزن داخل در تعداد خدم و توکرهای اعیان و اشراف درباری ایران شده شرحی در آن باب می‌نگارد و این رسم را نیز که اسباب تمجیب خارجیان است نتیجه اصول حکومت می‌داند که در ایران وجود دارد می‌گوید عند این نوکرها بسته به مقام و درجه اشخاصی است که در خدمت دولت میباشد عدد نوکرها هر يك از پنجاه نفر تا یاقصد نفر بالغ میشود .

بنجامین وزیر مختار آمریکا در کتاب خود می‌نویسد صدراعظم ایران شخصاً ۳ هزار نفر نوکر داشت فعلاً رسم و عادت در ایران بلکه در تمام ممالک شرقی بر این است که هر يك از درباریان و اشخاص صاحب نفوذ دارای نوکرهای زیاد باشند و از زیادی نوکر و خدم مردم با اهمیت آنها پی‌می‌برند در وقت حرکت این نوکرها در جلو و عقب آنها حرکت می‌کنند .

این نیز از برکت اصول مداخل و عایدات غیر مشروع است در حقیقت در نتیجه دزدی و تقلب است که میتواند این همه نوکرها را نگاهداری کنند اگر بنا باشد موجب اینها را خودشان بدهد طولی نخواهد کشید خود آنها هم بحال نوکرهای خود خواهند افتاد غالب اینها بدون حقوق خدمت می‌کنند و انتظار دارند که نوبت آنها هم برسد تا بتوانند مانند سایرین مداخل یا غارت کنند .

از این عده می‌توان استنباط نمود چه يك طبقه خطرناکی برای تجارت مملکت آماده شده است اینها درست همان طبقه هستند که هیچ وقت برای تولید ثروت زحمت نمی‌کشند بلکه ثروت مملکت را تمام می‌کنند و وجود اینها جز ضرر و زیان برای

(۱) اشاره به امتیازی است که بیانک شاهنشاهی ایران داده شده .

مملکت نتیجه دیگر ندارد وزیر گرفته تا حاکم و مستخدم کوچک دور آنها را این قبیل اشخاص گرفته اند عده زیادی با اسم منشی، با اسم میرزا، با اسم مستوفی بخود عنوان بسته در دربار خانه يك صاحب نفوذ جمع شده اند.

راجع به حقوق مستخدمین دولت و القاب آنها می نویسد و می گوید: «حقوق صاحبان مشاغل عالی درباری بی اندازه قلیل است این هم سالها عقب میافتد و اغلب هیچ پرداخت نمیشود مواجب و مقرری اروپائیها که در خدمت دولت ایران هستند خوب و منظمأ پرداخت میشود علت هم این است که اگر حقوق آنها مرتب نرسد فوری از شغل خودشان استعفا می دهند حتی حقوق اینها هم گاهی بحواله برات تجارتنی صادر میشود و هفتهها عقب میافتد حقوق سربازها و قشون چگونه پرداخت میشود این خود موضوع جداگانه است.»

لرد کرزن در دنباله این مطلب شرحی نیز از القاب درباریان و مستخدمین دولت می نویسد و می گوید: چگونه ایرانیها باجدیت تمام خواهان این القاب هستند و چگونه دنبال آن تلاش می کنند همینکه بدست آوردند در امن و امان بوده اشرافیت آنها مسلم شده است و يك راه دخل باز شده منتظر می شوند تا نوبت بآنها برسد و مانند سایرین استفاده کنند.»

در اینجا به ترجمه قسمتی از القاب درباریان پرداخته بطور مضحکی آنها را بزبان انگلیسی نقل کرده است و علاوه می کند که اکثر دارندگان این القاب هیچ فکری ندارند جز اینکه دولت و مملکت خود را غارت کنند در صورتیکه القاب آنها حاکی از این است که این اشخاص: زینت - حامی - مدافع - ستون - جلال - شوکت و قدرت مملکت هستند.» (ص ۴۵۱)

پس از شرح و تشریح این مسائل بحث مؤلف در باره قوانین دوگانه مملکتی است که در ایران جاری است یعنی قانون شرع و قانون عرف در این باب گوید: «اگر چه این قوانین اساس علمی ندارد ولی بطور کلی میتوان گفت که مطابق احتیاجات مملکت و زمان است.»

بعد متذکر میشود چگونه این قوانین به موقع اجرا گذاشته میشود و چه کسانی

در اجرای آنها دخالت دارند و در ضمن شرحی که راجع با اجرای قوانین شرع می نویسد می گوید: « سابق بر این رعایت این قسمت از قوانین با اختیار صدرالصدور بوده که از جانب شهریار ایران انتخاب میشده و او بر تمام علماء شرع ریاست داشته است این مقام در زمان نادرشاه افشار منسوخ شد و از آن تاریخ به بعد دیگر معمول نگردید . »

از اقتدار و نفوذ علماء صحبت کرده گوید: « قبل از زمان شاه فعلی علماء اقتدار زیادی داشتند ولی پس از جلوس ناصرالدین شاه از نفوذ آنها فوق العاده کاسته شد اینهم بواسطه فهم و فراست و سیاست میرزا تقی خان امیر کبیر بود که این مرد عاقلقدر تنفر زیادی از نفوذ و اقتدار علماء داشت چونکه بواسطه پناه دادن مجرمین در مساجد بود امیر حکم کرد شیخ الاسلام تبریزی را توقیف نمودند و از نفوذ سایر علماء جلوگیری نمود و دست آنها را از کارهای دولتی کوتاه کرد بعد ها نیز این سیاست تعقیب شد و شاه شخصاً مخالف نفوذ علماء می باشد (۱) . »

لرد کرزن پس از آنکه از قوانین شرع و عرف صحبت می کند مقداری هم از وضع و ترتیب مجازات ها که در ایران معمول بوده حرف میزند و آنها را یکان یکان اسم می برد .

و در خاتمه این فصل چنین مینگارد در تحت حکومت اصول دو گانه (مقصود دولت و علماء که شرح آن گذشت) کارکنان دولت بعتاوبین مختلف هریک بنوبه خود هم راضی و هم مرتشی است برای امور قضائی و اجرای عدالت نه قانون وجود دارد و نه محکمه در این صورت سهولت می توان فهمید که بیک چنین حکومتی نمیتوان اعتماد نمود و کسی نیست که حس تمیز داشته از روی شرافت و افتخار وظیفه شناس

(۱) باین حال ناصرالدین شاه بر علیه علماء هیچ کاری نتوانست بکند بعد از امیر کبیر مجدداً نفوذ و اقتدار علماء برقرار گردید بخصوص در زمان صدارت میرزا آقا خان نوری و میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا علی امیرخان امین السلطان اقتدارات علماء زیاد گردید ضعف و ناتوانی دولت ایران در این ادوار بهترین شاهد است که علماء چه قدر مقتدر بودند به صفحه ۴۶۰ مراجعه شود .

باشد هیچ نوع همکاری و تعاون با یکدیگر وجود ندارد مگر در زمینه خلاف و زشت کاری، چنین اشخاص از علنی شدن اعمال خودشان هراس ندارند، مردمان پاکدامن وجود پیدا نمیکنند بالاتر از تمام این ها روح ملی و وطن پرستی در نهاد آنها پیدا نمیشود در این شکی نیست که حق با آن عده از علماء و فلاسفه است که عقیده دارند عفت و پاکدامنی در يك ملتی مقدمه ترقیات مادی است برای اصلاحات داخلی و خارجی ایران قبل از هر چیزی اصلاح اخلاقی- آن ملت باید مورد توجه قرار داده شود. هر بیوند تازه را که بخواهند يك تنه که ریشه آن فاسد شده پیوندکنند غیر مفید است این تنه از ریشه فاسد و خراب شده است ما انگلیسها ممکن است با ایران راههای شوسه و راههای آهن تهیه کنیم ممکن است ما معادن سرشار آنرا بکار اندازیم و ثروت طبیعی آنرا استخراج نموده بکار اندازیم ممکن است نظام آنرا اصلاح کنیم و صنعتگران آنرا سیر کرده ببوشانیم.

با تمام این احوال باز قادر نخواهیم بود این ملت را در حوزه ملل متمدن دنیا وارد کنیم مگر اینکه بروحیات این ملت دست رس داشته صفات و سرشت اخلاقی ملی آنرا اصلاح کرده و مؤسسات آنرا عوض کنیم.

این شرح و بسطیکه از اوضاع و احوال حکومت ایران داده اوضاع فعلی آنرا مجسم کرده ام و یقین دارم که صحیح هم نشان داده شده است. برای این است که خوانندگان انگلیس بدانند چه ترتیب و اصلی در ایران جاری است و با چه موانعی اصلاح کنندگان امور ایران، فرق نمیکند چه داخلی و چه خارجی، باید با آنها مواجه شوند و چه سدهای آهنینی در مقابل آنها وجود دارد.

این موانع و سدهای آهنین را هوش و فراست خود پسند بشری ایجاد نموده است که با هر فکر اصلاح و ترقی مخالفت دارد خود شاه شخصاً هر قدر هم راست بگوید که خواهان اصلاحات است متمایل باین دسته مخالف است که مانع اصلاحات ایران معرفی شده اند چونکه نفع سرشار و عایدی شخصی خود را در ادامه چنین اوضاع میداند آن کسانی که در خلوت این ترتیب فعلی حکومت ایران را بایک حرارت تندی تقبیح میکنند در ظاهر از همکاران خود هیچ عقب نیستند در مقابل این اساس پوسیده

بیش از دیگران تعظیم و تکریم میکنند. (ص ۴۶۳)

چنانکه بعدها خواهیم دید لرد کرزن با این بیانات و تشریح اوضاع حکومت ایران شاه و درباریان را در عالم تمدن بخصوص در انگلستان که علاقه مخصوص اقتصادی و سیاسی بایران داشته پاك رسوا نمود .

تا این تاریخ خیلی از سیاحان خارجی و اروپائیهای ذیعلاقه با ایران سروکار داشتند و هر يك چندی در ایران توقف نموده با اوضاع آن آشنا شده کتابی نوشته‌اند ولی هیچيك باین درجه که لرد کرزن داخل در تحقیقات شده از اوضاع و احوال ایران آگاه شده در دو جلد کتاب مفصل خود آنها را شرح داده است؛ داخل در تحقیقات نشده بودند اگرچه مندرجات کتب آنها نیز بعضی مطالب برجسته و مهم را جمع با عمل شاه و درباریان و اخلاق و صفات ملت ایران را حاکی بوده است ولی هیچ يك از آنها بقدر لرد مزبور در جمع آوری اطلاعات دقیق نشده و زحمت نکشیده چونکه آنها باین اندازه وسایل تحقیق و تفتیش عمیق را نداشتند تمام آرشیو وزارت انگلیس در طهران و تمام اطلاعات عمال سیاسی انگلیس در ایران و سوابق اطلاعات تمام اعزاء **تلگرافخانه های اندو اروپیان** (۱) و کمپانی تلگرافی انگلیس در اختیار لرد کرزن بوده با اشخاص مطلع اروپائی که مدتها در ایران بودند سرو کار داشت مانند جنرال هوتن - شندلر و غیره علاوه بر تمام اینها با آرشیو وزارت امور خارجه انگلیس و با آرشیو حکومت هندوستان دست داشته و از کلیه قضایای سیاسی و غیر آن اطلاعات کامل داشته و خود نیز از اعیان و اشراف درجه اول انگلستان بوده و اهمیت مقامی داشت و اقوال او سند بود و نتیجه تحقیقات او قابل اعتماد بود آنچه که اظهار مینمود و رأی میداد و استدلال میکرد قاطع بود این بود که بعد از مراجعت او از ایران و انتشار دو جلد کتاب معروف او (۱۳۵۹ - ۱۸۹۲) سیاست انگلستان نیز نسبت بایران بکلی تغییر کرد و قتیکه بشرح گذارشات سیاسی این زمان برسیم روشن خواهد گردید که چگونه بعد از انتشار کتابهای لرد کرزن نقشه سیاسی دولت انگلیس در شرق و غرب عوض

[1] Indo - European .

شد چگونه برای ایران و ترکیه برای هر دو مملکت نقشه جداگانه طرح شد و در نتیجه اول مشروطیت برای جلب ملت ایران و برانگیختن آنها بر علیه دولت ، بعد مشروطیت عثمانی برای اخراج و عزل سلطان عبدالحمید از مقام خلافت برای آنکه پای آلمان ها را باستانبول باز نموده امتیازات گوناگون باتباع و سرمایه داران آن داده و دولت آلمان را در مقابل دسایس سیاسی خارجی که در تمام مدت قرن نوزدهم میلادی برای متلاشی کردن امپراطوری عثمانی بکار می رفت برای خود پشتیبان و حامی قرار داده بود .

ایران نیز بعد از این تاریخ (۱۳۰۹-۱۸۹۲) گرفتار همین بلاهای دولت عثمانی شد بواسطه الفای امتیاز تنباکو که در همین تاریخ روی داد شاه و صدر اعظم ایران نیز متعایل بروسها شدند .

این نزدیکی بروسها سبب شد که نفوذ دولت روس در دربار ایران زیاده گشت میزان سیاسی شرق نزدیک از تعادل افتاد یعنی کفه ترازوی سیاست روس به مراتب وزین تر از کفه سیاست انگلیسها جلوه نمود دولت انگلیس دیگر از دربار ایران بکلی مأیوس گردید دانست که دیگر به تجربهٔ چهل و شش سالهٔ ناصرالدینشاه باین سهولت نتوان فایدهٔ آمد طریق عملی دیگر باید در نظر گرفت در همین تاریخ است که منزل میرزا ملکم خان مؤسس روزنامه قانون محل اجتماع مخالفین دولت ایران میشود . سید جمال الدین اسدآبادی اتحاد اسلام را تعقیب می کند و در استانبول مقیم میشود در این تاریخ است که مکاتبات زیاد برای علماء نجف و سایر جاها بتام اتحاد اسلام و بر علیه حکومت ایران فرستاده میشود استانبول مرکز تبلیغات اتحاد اسلام می گردد (۱) و تسال ۱۳۱۳-۱۸۹۶ که در آن سال ناصرالدین شاه بقتل رسید سلطان عبدالحمید تصور می نمود این فکر عملی خواهد گردید ولی همیشه نتیجه به قتل

(۱) پروفسور برتون می نویسد سید جمال الدین در پائیز سال ۱۸۹۱ در لندن بوده و او را در منزل میرزا ملکم خان ملاقات نموده و علاوه کرده گوید در سال ۱۳۰۹ - ۱۸۹۲ باستانبول رفت . تاریخ انقلاب ایران ص ۱۱ . حبل المتین کلکته نیز در این سالها دایر گردید یعنی در سال ۱۳۱۱ هجری قمری تا بود برای ایران آفتی بود .

ناصرالدین شاه منجر شد اونیز از مبلغین اتحاد اسلام وحشت کرده به تبلیغات آنها خاتمه داد دیگر بعد از سید جمال الدین کسی در اطراف این فکر سینه نزد و به مرور از رونق افتاد و دیگر کسی سر و صدائی از این فکر بلند نکردید من بعدها فرصت خواهم داشت در این باب بیشتر صحبت کنم .

در هر حال لرد کرزن با انتشار دو جلد کتاب معروف خود شاه و دربار و اولیای امور ایران را در دنیا بکلی رسوا نمود و این عده را بجهانیان معرفی کرده شرح داد چگونه يك عده راشی و مرتشی ، دزد و راهزن بنام درباریان و وزراء یا باسم دولت ، مملکتی مانند مملکت ایران را با اصول حکومتی که در هیچ يك از نقاط دنیا از حیث خرابی و بدی نظیر ندارد فقط برای نفع شخصی خودشان دست گرفته سکنه آرام و بردبار آنها را به عناوین گوناگون غارت کرده با مال و جان آنها بی رحمانه بازی می کنند .

انتشار این کتابها پس از موقعی است که شاه و صدر اعظم کمالاً از انگلیسها روگردان شده اند سیاست سردروموندولف دیگر در دربار ایران مؤثر نیست و امتیازانی که بدست آورده بود بیش از یکی دو فقره آن عملی نگردید یکی موضوع امتیاز بانک شاهی بود دیگر امتیاز راه سازی اهواز به طهران و امتیاز کشتی رانی رود کلرون ، باقی دیگر مانند امتیاز انحصار تنباکو و امتیاز معادن ایران شاید امتیازات دیگر هم بوده از اعتبار افتاد دولت آنها را با دادن خسارت هنگفت لغو کرد .

در اوقاتی که سر هنری دروه و ندولف وزیر مختار انگلیس در دربار ایران مقیم بوده تقریباً در مدت چهار سال چندین امتیاز مهم از شاه و صدر اعظم ایران بدست آورد (۱) و اهمیت آنها بقدری بود که رفیب تاریخی آنها را بسرو صدا در آورد خود انگلیسها نیز اقرار دارند که از زمان مرگ فتحعلی شاه هیچ وقت چنین موقعیتی نصیب انگلستان نشده بود .

(۱) سر هنری دروه و ندولف از سوم دسامبر سال ۱۸۸۷ تا اواسط سال ۱۸۹۱ در ایران وزیر مختار بوده لرد کرزن گوید در این اوقات بهترین خدمات را این شخص در ایران بدولت خود نمود که سبب افتخار خود و مملکت انگلستان بشمار میرود . جلد دوم ص ۶۰۷

اینها تمام دال بر این است که اولیاء امور ایران علاوه به مملکت نداشتند همین قدر اسباب عیش و سرور مهیا گردد نان و گوشت در سر گذرها فراوان شود راهها و طرق اصلی برای تجارت اجانب امنیت داشته باشد کافی است هر گاه عایدات سالیانه نیز کفاف مخارج خوشگذرانی را ندهد راه دادن امتیازات با جانب بازا است از آن راه میتوان کسری را جبران کرد چنانکه کردند .

این بود اساس حکمرانی رجال قرن نوزدهم ایران که در میان ملل عالم تنگ و روسیاهی برای خود و دیگران فراهم نمودند .

فصل یازدهم کتاب لرد کرزن نیز خالی از اهمیت نیست ، در این فصل نیز باید اذعان نمود که مقدار زیادی از حقایق در گفتار او موجود است در ابتدای این فصل گوید: « اگر چه مندرجات فصل گذشته افسرده کننده است و آن شرحی که راجع به حکومت ایران نوشته شد تأسف آور است ولی برای اینکه حقیقت را پیروی کرده باشم ناچار بودم بیان واقع را روی کاغذ بیاورم و حکومت ایران را آنطوریکه هست معرفی کنم که روی چه اساسی می گردد نشان بدهم، ولی با این حال وضع حکومت فعلی به مراتب بهتر از اوضاع حکومتهای گذشته نزدیک است بیکرشته اصلاحات در زمان شاه فعلی در ایران شروع گشته است ولی تاریخ آنها نیز از یکطرف اسباب امیدواری و از طرف دیگر ملامت انگیز است .

از یکطرف دیده میشود چگونه تمدن اروپا خواهی نخواهی، می توان گفت بطور آهرا نه ، پیش می آید و در این پیش آمدن آداب و رسوم قدیم شرقی را زیر پا گذاشته جلومی رود .

از طرف دیگر در مقابل مشاهده میشود تعصبات بی جا - مخالفت با اصلاحات از روی جهالت شرقی در جای خود ثابت و پابرجا است انسان نمیداند با این احوال امید - وار باشد یا مأیوس .

آیا می‌توان گفت ایران امروزه می‌رود داخل در طریق تمدن بشود و یا اینکه فعلاً داخل شده است ؟

آیا می‌توان آنرا جزو ملل متمدن دنیا قرار داد ؟ یا اینکه هنوز از قافله تمدن امروزی فرسنگ‌ها دور افتاده و بوضع فعلی خود راضی است و سروکاری با دنیای متمدن امروزی ندارد ؟

البته از شرحیکه در فصل گذشته گفته شد و در این فصل نیز گفته خواهد شد خواننده باید از خواندن آنها پیش خود قضاوت کند .

ولی بعقیده من نباید در قضاوت موضوعات شرقی تندروی کرد باید اطراف و جوانب موضوع را خوب در نظر گرفت اگر قضاوت هم باید بشود آن را عادلانه و از روی انصاف اظهار نمود .

بعقیده من طرز فکر و عمل غربی و شرقی فرسنگ‌ها از هم جدا هستند میتوان گفت ، بعداً آنها با اندازه بعد قطبین می‌باشد آنچه را که ما تمدن می‌فهمیم انبیا هم با ترقی اشتباه می‌شود، در انظار اهالی شرق بکلی چیز دیگری است ملل برای رستگاری خودشان طرق مختلف در پیش دارند مثلاً آنچه که برای ما در انجام عمل سرعت قدم لازم است ممکن است در انظار آنها اهمیت و ارزشی نداشته باشد برای این ملل سرعت در کار و عمل يك موضوع مجهول می‌باشد که تا حد هیچ آشنائی با آن ندارند و هر تخیلی هم که در زمین آنها پاشیده شود گمان نباید برد که باین زودی از این عمل نتیجه گرفته شود .

در اینجا ارد کرزن شاهی می‌آورد که قابل ذکر میباشد می‌گوید : بعد از مراجعت شاه از سفر اول اروپا (۱۲۹۵-۱۸۷۳) برای اجرای عدالت و رفع ظلم و ستم در ایران مقرر شد در هر محل معتبر و شهری بهت صندوق عدل نصب کنند و کلید آنها در نزد خود شاه باشد و مردم عرایض خودشان را و شکایتی که از اعمال دولت دارند در آن صندوق‌ها ریخته هر ماه یکمرتبه آنها را در حضور شاه بازویه عرایض مردم رسیدگی کنند این عمل بخوبی انجام شد و صندوقها فرستاده شد و باز نمودن آنها نیز در حضور شاه بعمل آمد ولی شکایتی در جوف آنها صندوقها دیده نشد بعدها معلوم گردید که مردم

درمهد امن و امان زندگی می کنند و کسی از حکام یا مأمورین دولت بآنها آزار و اذیتی نمی رساند .

اما حقیقت امر این نبود حکام ولایات و مأمورین دولت در اطراف صندوق های عدل ، اشخاص مخصوص خودشانرا پاسبان گذاشته هر کس که بآن صندوقها نزدیک میشد فوری گرفتار و بجزای خود میرسید که دیگر کسی جرئت نکرده بآن صندوقهای عدل نگاه کند این بود که صندوقها برای همیشه خالی ماندند شهریار ایران نیز شاد و خرم بود که کسی در قلمرو شاهنشاهی گرفتار ظلم و تعدی نمی باشد .

در این جا لرد کرزن داخل در تاریخ و موضوع اصلاحات می شود که از اواسط قرن نوزدهم میلادی در ایران پیدا شده است و قبلاً تذکر می دهد که این قبیل اصلاحات که عبارت از احداث پست - تلگراف یا انتشار روزنامه یا ایجاد ضرابخانه جدید و تأسیس بانک و دادن بعضی امتیازات تجارتمی و غیره میشود و میگوید تمام اینها در نظر رجال اروپا چندان وسائل ترقی و سعادت یک ملتی محسوب نمیشود ولی در ایرانی که سر جان - ملکم - موریر و او زلی معرفی نموده است احداث اینها در این مملکت عوامل مهم ترقی بشمار میروند (۱) .

لرد کرزن داخل در شرح اصلاحاتی که در این ایام در ایران شده است میشود اول تاریخ تأسیس پست ایران را می نویسد بعد تاریخچه ایجاد تلگراف را در ایران شرح می دهد .

بعد از تاریخ روزنامه نگاری در ایران صحبت می کند و بطور حساس و زنده

(۱) این سه نفر بواسطه کتبی که در باب ایران نوشتند دربار ایران و ملت ایران هر دو را در انظار اروپا رسوا کردند کسانی که باوضاع آن زمان و دربار فتحعلی شاه آشنا باشند تا حدی حضرات راتالاین اندازهها ملامت نمی کنند ولی حقیقت مسئله در این جا است که شاه و درباریان در مقابل این مأمورین اروپائی تفویض بودند آنها از دنیا باخبر و با قصد و نیت معین بایران آمده بودند شاه و درباریان بکلی از نیات آنها بی اطلاع بودند این بود که با آن همه تسلیم و فداکاری ایرانیان بجز رسوائی چیز دیگری نتیجه نگرفتند حق این بود ایران را هدایت کنند نه اینکه تصمیم بگیرند ایران در توحش و بربریت باقی بماند .

از آن اسم میبرد و سخت تنقید می‌کند و علت عدم ترقی آنرا بعادت خارق‌العاده ملت ایران نسبت می‌دهد می‌گوید :

« در زمان میرزا تقی‌خان امیر کبیر بود که اولین روزنامه ایران در سال ۱۲۶۷-۱۸۵۵ انتشار یافت مدیریت آنرا بیک نفر انگلیسی واگذار نمود او نیز بعضی قسمتهای مهم جراید اروپا را ترجمه نموده در آن نشر می‌داد و اسم آن روزنامه موسوم بوقایع اتفاقیه بود .»

لرد کرزن از روزنامه های دیگر نیز از قبیل روزنامه ایران - اطلاع - شرف - روزنامه فرهنگ اصفهان و از روزنامه اختر استاتبول وقانون اشاره می‌کند .

علاوه بر اینها بروزنامه وطن نیز که در تحت مدیریت یک نفر اروپائی قرار بود انتشار پیدا کند اشاره می‌کند می‌گوید : « در سفر اول شاه بفرنگ میرزا حسین خان سپهسالار بخیال افتاد یک روزنامه بزبان فرانسه در طهران طبع شود برای همین نیت یک نفر فرانسوی نیز به مدیریت آن از فرانسه استخدام نمود اولین شماره آن در پنجم فوریه ۱۸۷۶ مطابق ۱۲۹۳ در طهران منتشر شد عمان شماره اول بود و پس دیگر دنباله پیدا نکرد و مدیر اروپائی آنرا نیز عذر خواستند .

در سال ۱۸۸۵ نیز یک روزنامه بزبان فرانسه موسوم به اکودولا پرسیان، ولی آن نیز چندان دوامی نداشت و تعطیل شد .»

پس از شرح تاریخچه جرائد، لرد کرزن از مسکوک ایران صحبت می‌کند و سابق آنرا از زمان صفویه شرح می‌دهد می‌گوید: ترقی و تنزلی پول واحد ایران در گذشته بی اندازه زیاد بوده و در زمان مسافرت من در ایران به نازلترین قیمت خود رسیده بود در زمان تاورنیه که در اواسط قرن هفدهم بوده یک تومان ایران مساوی بوده با پنججاه کرون فرانسه یا چهل و شش لیور که هر لیور مساوی با یک شلینگ و شش پنس میباشد که مساوی باش قران امروز است (۱) .

در زمان شاردن معروف میزان تومان را در عهد شاه سلیمان صفوی از ۴۵ تا ۵۰

(۲) مقصود تاریخ ۱۳۰۸ - ۱۸۹۱ میباشد که لرد کرزن مشغول جمع آوری اطلاعات

برای طبع کتب خود بوده .

لیور بوده بیول انگلستان ۳ لیره وده شلینگ هر گاه لیره را بقیمت امروز حساب کنیم قریب ۲۸۵ قران، در اوایل قرن هجدهم کراسینسکی معروف میزان آنرا ۶۰ لیور می نویسد (۱).

پس از آن انقلاب ایران شروع میشود زوال دولت صفویه - هجوم افغانها - ظهور نادرشاه افشار و مرگ او، تمام این وقایع اوضاع عادی ایرانرا متزلزل میکنند تا اوایل قرن نوزدهم که بواسطه آقا محمدخان قاجار امنیت در ایران برقرار می گردد. در آن تاریخ سر جان ملکم قیمت يك تومان را مساوی بایک لیره صورت می دهد فریزر معروف قیمت آنرا از سال ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۰ مساوی با ۱۱ شلینگ می نویسد و از آن تاریخ به بعد دیگر پول ایران رو بتنزل گذاشته بمرور از قیمت آن کم میشود در سال ۱۸۷۴ - تومان مساوی بوده به ده فرانک فرانسه یا هشت شلینگ بیول انگلستان در سال ۱۳۰۹ - ۱۸۹۰ تومان ایران مساوی بود به پنج شلینگ و نیم پول انگلیس.

پس از اینکه این شرح را راجع به تنزل پول ایران مینویسد در ضمن تاریخچه هم از ضرابخانه ایران بدست میدهد میگوید: «تا سال ۱۸۶۵ هر ایالت یا ولایتی برای خود ضرابخانه داشت پول سکه می کردند تا اینکه در تاریخ فوق شاه دستور داد وزیر مختار ایران در پاریس ماشین آلات برای سکه نمودن پول رایج ایران روی ترتیب پولهای رایج اروپا خریداری کند این اشیاء خریداری شده با نرلی رسید ولی چون وسیله حمل میسر نبود این ماشینها و آلات در کنار مرداب اتزلی پوسید تا اینکه در سال ۱۸۷۲ موفق شدند سکه صاحب قران را به جریان اندازند و ضرابخانه تحت نظر مهندسين آلمانی و فرانسوی اداره شده و اداره آن را بامین السلطان سپردند.

در ابتدای امر میزان قران ۹۵ صدم نقره خالص بود و بعدها رسید به ۹۲ بعد به ۹۰ درین میزان باقی است یعنی در سال ۱۸۸۹ میزان نقره ۸۹ و دو سوم و میزان طلا در هر هزاری ۸۸۵ و یک دوم طلای خالص است باقی عیار آن مس است.

نظر بزیادی میزان واردات بر صادرات تقریباً پول طلا کم شده است حتی نقره هم يك وقتی نایاب شد دولت برای چندی این روبه خوش آیند (۱) را پیش گرفت و خروج آنرا از مملکت غدغن نمود اما خوشبختانه این مسئله بعدها دیگر تعقیب نشد.

پولهای سکه طلا اسماً بقرار ذیل است يك چهارم تومان - نصف تومان - يك - دو و پنج و ده تومانی اما فعلاً قیمت آنها خیلی ترقی نموده يكصد تومان سکه طلا را امروزه باید ۱۴۵ تومان پول نقره داد و خریداری نمود.

در دنباله مسائل مالی ایران که مقداری روی آنها بحث میکند بعد داخل در موضوع بانک شاهنشاهی میشود و تاریخ آنرا شرح میدهد میگوید: «چگونه، برای اینکه قرار داد و یا امتیاز لغو شده بارون جولوس رویتز که در سال ۱۸۷۲ بصواب دید میرزا حسین خان سپهسالار باو داده شده بود.

دولت ایران خسارت آتزمان را جبران نموده باشد در عوض امتیاز بانکشاهی را به همان شخص در سال ۱۸۸۹ برای مدت شصت سال واگذار نمود و در اکتبر همان سال اعلان در لندن منتشر شد و میزان سرمایه آنرا يك میلیون لیره تعیین نمودند در عوض چند ساعت تمام سهام آن ۱۵ برابر خریدار پیدا نمود. (۲) چون قبلاً راجع بامتیاز بانکشاهی و سایر مسائل راجعه بآن صحبت شده است دیگر احتیاجی نیست تکرار شود.

لرد کرزن در ضمن موضوع انتشار اسکناس در ایران که در قرارداد بانکشاهی میزان و مبلغ آن معین شده بيك موضوع تاریخی نیز اشاره میکند آن راجع بانتشار اسکناس در شصت و پنجاه سال قبل در ایران بوده لرد معظم میگوید: «در زمان سیخاتو (۹۴-۱۲۹۱) میلادی (۹۴-۶۹۱ هجری) برادر ارفغون خان که نوه هلاکو باشد اسکناس برای مدتی در ایران رواج شد این شهریار شنیده بود که در سیصد سال قبل طی تسو از سلسله سلاطین سونگ پول کاغذی را در مملکت چین رواج داد در شیر تبریز برای این کار عمارت مخصوصی بنا نمود و آنرا به چوخانه موسوم کرد و

[1] Delicious Idea .

(۲) در این باب بعدها شرح خواهیم داد .